

# امانی

مَلِكُ الْجَنَّاتِ  
مَغْفِرَةُ جَنَّاتِ الرَّحْمَنِ  
شَفِيعُ الْجَنَّاتِ

حَصْنَهُ دُومٌ

عَلَّامَهُ صَبَرُ الدِّينِ نَصَبَرْ بِهُونَزَائِی

(سَتَارَهُ امَّتَیَان)

مَبِينٌ  
عَلَيْهِ  
الْحُصَنُ  
فِي  
كُلِّ شَيْءٍ

هر چیز در امام مبین شمار کرده ایم -

۱۲:۳۶

Blank Page

# امام شناسی

## حصہ دوم

علامہ نصیر الدین نصیر ہوز زائی

(ستارہ امتیاز)

ترجمہ از اردو بہ دری

لعل محمد بنی زادہ

ناشر

Institute for Spiritual Wisdom and  
Luminous Science (ISW&LS)

[www.monoreality.org](http://www.monoreality.org)  
[www.ismaililiterature.com](http://www.ismaililiterature.com)  
[www.ismaililiterature.org](http://www.ismaililiterature.org)

© 2020

ISBN 1-903440-70-X

# سپا سکنر ای پ

نعمت توفیق خداوند رسولش که بوسیله ای امام برحق (ع) حاصل می شود تا خدمات مقتضی زمانه انجام یابد، چنان نعمت بزرگی است که شکرگزاری آزاد طول یک عمر نمیتوان انجام داد.

نهایت شکرگزارم که در ترجمه ای این کتاب پُر حکمت و معرفت که درباره ای موضوع محیی چون «امام شناسی» است، رهنمایی و دستکیری جناب محترم دکتور فقیر محمد هوزانی شامل حال این بنده ای هیچ بوده است.

ضمن، سپا سکنر بهم رفاقتی کار که برای این ترجمه مساعی بسیار انجام دادند نیز هستم، خصوصاً محترم فریدون عارفی و محترم دیس الدین حسنی با وجود همه مساعی، اگر در این ترجمه نقصهای باقی مانده باشد آن خالصاً از کاستی های این بنده است، خوانندگان محترم عفو فرمایند.

در اخیر، از خوانندگان محترم این کتاب خواهش میکنم که کتاب «امام شناسی حصه اول»، که آن هم از تصنیفات پُر حکمت و معرفت عارف دوران جناب محترم علامه نصیر الدین نصیر هوزانی، دامت فیوضاتہ العرفانیه، است و قبلًا توسط جناب محترم دکتور

فقیر محمد هوزانی به زبان دری ترجمه شده است، رانیز مطالعه بفرمایند تا برای ایشان در  
مضمون امام‌شناسی فایده‌ای علمی ہرچه بیشتر حاصل شود.

وبالله التوفيق

مترجم

# فہرستِ مصاہین

۱	حرفِ آغاز	۱
۵	لقطنور	۲
۶	نورِ حقیقی و نورِ خود ساختہ	۳
۷	نورِ ہدایت و ظلمتِ کمرابی	۴
۷	کتابِ روشن	۵
۸	نورِ مبین	۶
۹	نور و کتابِ مبین	۷
۹	مقصدِ تورات	۸
۱۰	مقصدِ انجیل	۹
۱۱	مقصدِ قرآن حکیم	۱۰
۱۲	نور و مقابل ظلمت	۱۱
۱۲	نور و ہدایت	۱۲
۱۴	نور [اگر] حاصل شو دنگی ابدی حاصل می شود	۱۳

۱۴	پیروی نور بعد از رسول (ص)	۱۴
۱۵	کوشش ناکام خلاف نور الہی	۱۵
۱۶	اتمام نور	۱۶
۱۶	وحدتِ نورانی آفتاب و مهتاب	۱۷
۱۷	ظلمات و نور	۱۸
۱۸	کتاب، پیغمبر و نور	۱۹
۱۸	ہادی و نور	۲۰
۱۹	نور امام زمان کتاب روشن است	۲۱
۲۰	نور کائنات	۲۲
۲۲	دلائل مختصر این حقائق	۲۳
۲۴	نور عالی نور	۲۴
۲۵	نور و رضامندی خداوند تعالیٰ	۲۵
۲۶	براوی کسی کہ خداوند نور مقرر نکند ہیچ نوری نیست	۲۶
۲۷	آفتاب و مهتابِ عالم دین	۲۷
۲۸	کتاب پیغمبر	۲۸
۲۸	از ظلمات تانور	۲۹
۲۹	چراغ روشن	۳۰
۳۱	ظللمتِ جہالت و نورِ معرفت	۳۱

۳۲	مجازات انبیاء، کتب و تاویل	۳۲
۳۳	شرح صدر	۳۳
۳۵	زین از نور پروردگار خود روشن خواهد شد	۳۴
۳۷	اسرار عظیم نور	۳۵
۳۸	مجازات نورانی	۳۶
۴۰	مومنین، مومنات و نور	۳۷
۴۲	مناقصین، مناقصات و نور	۳۸
۴۳	مرتبه‌ای حاصل شدن نور	۳۹
۴۴	نور سرچشمکه هدایت است	۴۰
۴۵	نور پیغمبر (ص) و امام (ع) نور خداوند است	۴۱
۴۷	خدا، رسول و نور امامت	۴۲
۴۸	نور یک ذکر زنده	۴۳
۵۱	نور و دور روحانیت	۴۴
۵۵	آن قتاب و مهتاب	۴۵
۵۸	فهرست آیات قرآن	۴۶

Blank Page

# حرف آغاز

چون زد عوام و خواص این یک حقیقت مسلم است که نور کائنات ظاہر بخششیت مثال نور عالم باطن است، پس نخست مایل چند صفات نور ظاہری و مادی را بیان نماییم تا سالگان راه حقیقت در نتیجه ای غور و فکر کردن دمثال بتوانند شناخت ممثول را حاصل کنند.

چنانچه همه میدانند که در این دنیا نور جسمانی فقط کی است و غیر آن در حقیقت دیگر سرچشمہ ای روشنی قطعاً وجود ندارد و آن نور مادی و ظاہری آفتاب است. اکنون سوال در مورد چگونگی روشنی های مهتاب، ستارگان و دیگر تمام ذایع روشنی [است]، [باید گفت که در اصل آنها پدید آمده از آفتاب اند، و در این جهان هیچ چیزی مادی موجود بوده نمی تواند که ذریعه ای روشنی یا گرمی شود بدون اینکه از قوهای مختلف آفتاب پرورش یافته باشد.

او صاف نور مادی یعنی آفتاب نه تنها این است بلکه این در حقیقت آن کارخانه ای قدرت خداوند است که بوسطه عمل تکوین آن در این کائنات عظیم دنیا های ستارگان و سیارگان بوجود می آید و در آن دنیا ها هر چیز مادی که وجود دارد آن همه توسط همین نور بوجود آمده است.

همینطور نور روحانی نیز در عالم دین و کون حقیقت از ازل فقط کی است که همیشه

بوسط آن جمله صفات خداوند تعالیٰ دامنهٔ طهور پذیر می‌شوند و هر چیز عالم روحانیت بذریعه ای همین نور مطلق پدید آمده است. بطور مثال امر و فرمان مقدس حق تعالیٰ بتوسط همین نور صادر می‌شود. رشد و هایتربانی بتوسط همین نور داده می‌شود. عقل و دانش، علم و حکمت یک صورت خاص همین نور است. دیده دل و چشم بصیرت نام همین نور است. اسرار عجائب و غرائب و رموز حقائق و معارف حضرت رب العزت در همین نور پهان است. نبع و مخرج کرامات و محجزات همین نور است. همین نور است که آن را روح الاروح و عقل کامل یا عرش و کرسی می‌گویند. همین نور را کتاب مسیح و تاویل نورانی می‌گویند. عالم علوی و بهشت حقیقی نام دیگر همین نور است. هر چیز در همین نور موجود و محدود است، و همین نور مطلق همچیز است.

چون از بیان مذکوره بالا این واضح شد که در آفاق بادشاہی نور جسمانی و دانفس سلطنت نور روحانی است پس باید اکنون آفتاب دنیا ای قرآن را بگذیریم، چنانچه امام عالی مقام علیه الصلوات والسلام اشاره فرموده است که آیه مصباح آفتاب، آیه سراج مهتاب و دیگر آیات نور ستارگان عالم علم و حکمت قرآن اند، و دانستن این حقیقت ضروری است که این تمام آیات نور در رشته ای معنی خود با آیه مصباح چنان نسلک اند که ستارگان و مهتاب در رشته ای روشنی با آفتاب وابسته اند. مثال این حقیقت اینست که دهنگام شب و غیکه مهتاب تابناک و ستارگان درخشنان بظیر می‌رسد آنوقت مردم عام به این فکر می‌شوند که شاید این روشی مهتاب و ستارگان از ذات خود آنها است لیکن اهل بصیرت این را کشف نموده اند که حقیقت آن چیزی دیگر است و آن اینکه اگر در آن هنگام مادر کی از دنیا یا مهتاب و

ستارگان پرواز کنیم دآن دنیا شب نه بلکه یکی از اوقات روز خواهد بود و از آنجا با دیدن بطرف آسمان آفتاب مُنیر بظر خواهد رسید. مطلب این همان شد که در اصل روشنی مهتاب و دیگر تمام ستارگان از روشنی آفتاب است.

کاماً همینطور هرگاه مابه آیات نور می نگیریم حسب معانی عام آن فوراً انوار کثیره تصور می شود، یعنی چنان می نماید که کویا کتب سماویه، انبیاء کرام (ع)، آئمه عظام (ع) و بزرگان دین انوار جداگانه و مختلف اند، لیکن بعد از غور و فکر و تحقیق و تدقیق وقتیکه تصور مومن حقیقی برلندی های معنوی آن آیات می رسد در آنجاییک شب شک و گان خاتمه می یابد و روز تیغین کامل بظرمی رسد، یعنی بعد از حصول معرفت معلوم می شود که در اصل نور مهتاب و ستارگان دینی همان نور آفتاب آیه مصباح است.

چنانکه در یکی از آیات نور آمده است که «نور هم» (۱۲:۵۷) یعنی نور مومنین، پس در معنی ظاهری آن البته این گان می شود که کویا این نور مومنین جدا از نور مطلق خدا نور خود ایشان باشد، همانطور که در هنگام شب در مورد مهتاب تابناک و ستارگان دخشنان چنان گان می شود که کویا این روشنی از ذات خود آنها مهیا می شود در حالیکه چنین نیست بلکه یگانه نبع و مخرج این بحری پایان روشنی، آفتاب است. همین مثال آن نوزیر است که آن را به مهتاب و ستارگان دین نسب نموده اند که چون یک مومن حقیقی بطور روحا نی بر بلندی های روشنی باطن خود رسیده مشاهده می کند آنوقت معلوم می شود که این نور مومن همان نور مطلق است که ذکر آن در آیه مصباح موجود است که در آن فرموده شده است که: «خدا نور آسمان ها و نیزین است». مطلب آن اینست که برای باطن کائنات موجودات چنان

یک نور واحد، همه رس، کافی و جامع صفات همیشه و در هر جا حاضر و موجود است که در موجودگی آن ضرورت نور دیگر نمی شود و نه حقیقتاً در آن کنجاش دوئی وجود دارد.

از مثال ها و شهادت های متذکره بالا این حقیقت مانند روز روشن عیان و ظاهر است که در آفاق و انفس و در دنیا ای قرآن درجه ای نور از همه اعلیٰ، اهمیت آن از همه پیشتر، و موجودیت آن نهایت ضروری است، لہذا این امر چگونه می تواند ممکن باشد که در هر عالم مطابق تقاضا های آن نور موجود و حاضر باشد و در عالم انسانیت وجود نویستگی نباشد، اگر این امر ممکن می بود در معنی رب العلمین کمی یک چیز خاص این می ماند که خداوند یقیناً هر یک عالم را می پرورد بجز دنیا ای انسانیت یا عالم بشیرت [که در آن] پرورش و تربیت هیاتی و علمی عقل و روح انسان را کاچه نمی کند. ظاهراست که این امر محال و منافی رحمت و پدایت خداوند است. پس معلوم شد که نور خداوند تعالیٰ در عالم دین همیشه حاضر و موجود است و او در جامه ای بشیرت امام برحق صلوات اللہ علیہ حاضر و موجود است.

چنانچه چون این امر مسلم است که امام عالی مقام درجه ای مطهر نور مطلق دارد پس برای ما این امر ضروری و لازمی شد که چندی از حقائق آیات نور بیان کرده شود تا از مطالعه ای کیجانی این آیات مقدس و در روشنی حکمت مجموعی [آنها] حقائق امام شناسی برای هر مومن آسان و قابل فهم شود. انشا اللہ تعالیٰ.

فقط بنده احقر  
نصریل الدین نصریل ہوز زائی

# لقطه نور

داین حکمت عظیم خداوند تعالیٰ خوب غور و فکر کنید که در قرآن حکیم لفظ نور دلکل چهل و نه دفعه ذکر شده است در حالیکه در مسلسل پاک امامت آل بنی (ص) و اولاد علی (ع) سرکار نامدار حضرت نور مولانا شاه کریم الحسینی حاضر امام علیہ الصلاۃ و السلام نیز چهل و همین امام است، لمنزد حکمت و قدرت خداوند این امر ناممکن نیست که در این تعداد لفظ نور این پیشگوئی قرآن پاک باشد که در زمانه مبارک چهل و همین جامه ای امامت دین و دنیا از علم و حکمت ظاهری و باطنی روشن گردد، چنانکه ظاہراست که در عهد مبارک همین امام عالی مقام علیہ اسلام دورانی بطور خصوصی آغاز شد و انسان در تحریر نمودن کائنات علم حق و پروردگری را بر مهتاب به اهتزاز دارد.

چون ما را از پیشگوئی آیات نور یقین حاصل شد که اکنون از فضل و کرم خداوند متعال در ظاہر و باطن زمانه ای روشنی و دور نور آمده است پس بیایید ما مطابق تعلیمات حکیمان پیر سید ناصر خسرو قدس اللہ سره آن چهل و نه آیات متذکره را وضاحت نماییم که در آن بطور نمایان ذکر نور امامت موجود است.

## نورِ حقیقی و نورِ خود ساخته:

مفهوم واضح آن مثال نورِ حقیقی و نورِ خود ساخته یا هدایت اصلی و هدایت نقلی که در سوره بقره آیت ۱۷ ارائه داده شده است، اینست که دو مسافر بطور جداگانه در تاریکی شب برای سفر طولانی روانه شدند، در دست یکی مشعل بی مثال محجزانه هست که آن رانه بادمی تواند خاموش کند و نه باران و در نزد دیگر فقط یک جعبه از کبریت هست. اکنون آنکه مشعل محجزانه دارد باطمینان کامل بطرف منزل قصود میرود و پیشافت می کند و حتی که آنجا میرسد، شخص دیگر از عدم روشنی نمی تواند به پیش برود، او از تاریکی بستوه آمده با مشقت زیاد در بیابان یک آتش روشن می کند و می خواهد که در روشنی آن چندی از مسافت سفر خود را طلبی کند اما آتش ساکن [که دیگر مقام افروخته شده باشد] تا کجا می تواند روشنی بدهد و بالآخر آن آتش نیز خاموش می شود و آن مسافر ناگزیر در شب تاریک می ماند.

تاویل این تمثیل اینست که برای اهل نجات، معرفت و نور امامی و حاضر آن مشعل محجزانه است که آنرا هرگز نه با دخالت و شنی و نه باران حافظات زمانه می تواند خاموش کندچرا که این نور مقدس و مبارک نور خداوند قادر و توانا ن و نور از لی وابدی رسول برحق (ص) اوست که با هر کتاب آسمانی و پیغمبر موجود بود و بعد از آنحضرت (ص) نیز با همان شان برای همیشه موجود و حاضر است تاکه در روشنی آن هدایت صراط مستقیم حاصل شود، هر سعی و کوششی که بدون این نورِ حقیقی برای حصول هدایت انجام داده شده است مثال آن در آیه مذکوره بالا بربان حکمت بیان گردیده است.

# نورِ ہدایت و ظلمتِ گمراہی:

خلاصه مطلب ارشاد حضرت احییت کہ در سورہ نقرہ (۲۵۷:۲) فرموده است اینیست کہ اگر دنیا از یک طرف ظلمت گمراہی از ہمیشہ وجود دارد، از طرف دیگر نور ہدایت نیز از ہمیشہ موجود است. اگر اینطور نبی بود و دنیا را ابر ہائی سیاہ کفر و ضلالت فرامی کرفت و آفتاب ایمان و ہدایت موجود نبی بود پس آن از طرف قانون قدرت یک ظلم و ستم بزرگ بر اهل دنیا می بود.

## کتابِ روشن:

نور در سورہ آل عمران (۱۸۴:۳) تحت عنوان «الكتاب المُنير» یعنی «کتاب روشن» ذکر شده است، مطلب آن اینیست کہ کتاب حقيقة و روحانی بحیثیت نور واحد رسول اکرم (ص) و امام برحق (ع) است که آن کتاب ناطق یعنی کتاب خود کو است. این کتاب روشن یعنی نور انسان کامل را تاویل یا حکمت نیز نامیده اند (ملاحظہ شود کتاب وجہ الدین صفحات ۴۹ و ۵۰). تاویل را کتاب روشن به این معنی می کویند که او حقائق و معارف موجودات را در اعلیٰ ترین مقام روحانیت و در عالم کشف و مشاہدہ واضح و روشن کرده می نماید و بیان می کند. یا اینطور باید گفت که ہمان نور که در ذات اقدس امام عالی صفات موجود است ہمان روح زندہ و گوینده ای قرآن پاک است کہ در آن از تاویل عملی قرآن پاک یک دنیا می وسیع و زندہ گنجیده شده است. بنابراین پیران و بزرگان نامور مادر

نتیجه‌ای عبادت و ریاضت که مطابق ہدایت امام وقت (ع) بوده در دل و دماغ خود این نور عینی کتاب روشن را بحکم افی مشاهده و تجربه ای مکل نموده اند که از آن حقائق زنده‌ای هر دو جهان برای ایشان معلوم شده است.

## نورِ مبین:

لفظ نورِ مبین در سوره النساء (۴: ۱۷۴) ذکر شده است که آن دو معنی دارد. یک معنی آن نور ظاهر است و معنی دیگر آن نور کوینده، و در این آیت هر دو معنی مناسب و موزون است، همانطور که لفظ مبین در سوره زخرف (۴۳: ۱۸) برای کوینده بکار رفته است، پس معلوم شد که نور پاک امام اطهر (ع) نه تنها در صورت جسمانی ظاهر و کوینده است بلکه علاوه بر آن در کیفیت روحانی نیز محجزانه طهوری کند و کلام می فرماید.

بنابراین در آیه کریمه بالا ارشاد ربانی است که: ای مردم، یقیناً از طرف پروردگار تان برای شما یک دلیل آمده است و برای شما نور آشکار نازل کرده ایم. پس در اینجا مرتبه ای نبوت را دلیل منصب امامت را نورِ مبین کفته شده است. اگر شخصی در این مورد بگوید که متنظر از دلیل قرآن مجید است و اشاره ای لفظ نور بطرف رسول اکرم (ص) است، در نتیجه، از آن نیز همان حقیقت ثابت می شود. نور خداوند تعالیٰ خاموش ناشدنی بود از این سبب آن [نور] از آنحضرت (ص) درسلسله امامت متقل شد، و آن اکنون نیز در جامه ای بشیرت امامی و حاضر جلوه گر است و برای همیشه قائم خواهد بود.

## نور و کتاب مُبین:

پیغمبر و امام علیهم السلام را در سورهٔ مائدہ (۱۵ و ۱۶) یک نور قرار داده است و قرآن را کتاب ظاہر فرموده شده است. در اینجا شاید این سوال ممکن است که چرا گاهی نور را او گاهی کتاب را ظاہر گفته شده است؟ جواب آن اینست که صفت نور و قرآن هردو اینست که از یک طرف ظاہر و از طرف دیگر باطن است، یعنی شخصیت نور و تنزیل قرآن ظاہر است ولی روحا نیت نور و تناول قرآن باطن است. بنابراین در مقامیکه مشاهده‌ای حکمت قرآن را در روشی نوری تعلیم داده شده است در آنجا از لحاظ شخصیت نور را ظاہر گفته شده است و عکس آن در جاییکه با امداد قرآن برای حاصل نمودن معرفت امام (ع) تاکید شده است در آنجا از لحاظ تنزیل کتاب را ظاہر گفته شده است.

## مقصد تورات:

در آیت ۴۴، سورهٔ مائدہ (۵) ارشاد خداوند تعالیٰ است که: « همانا ماتورات را نازل کردیم، در آن نور و ہدایت است، انبیاء که مطیع خداوند تعالیٰ بودند، مطابق آن [تورات] یهود را حکم می کردند و (ہمینطور) اهل اللہ و علماء نیز، که حفاظت کتاب خداوند به آنها سپرده شده بود و آنها گواه برآن بودند، حکم می کردند » از آیت مذکوره بالاطور واضح ظاہر می شود که مقصد و منشأ تورات ہدایت و نور بود، یعنی از تورات چنان ہدایتی مقصود بود که از آن راه نور معرفت بدست آید و معرفت امام

زمان حاصل شود.

ازین آیت این نیز معلوم شد که مقصد تعیین انبیاء، اولیاء و علماء نیز همین بوده است که آنها مطابق ہدایت تورات مردم را حکم بگند تاکہ ایشان بعد از عمل نمودن برآن ہدایت به معرفت نور بررسند.

## مقصد انجیل:

در آیت ۴۶، سوره مائدہ (۵) ارشاد ربانی است که: «**وَمَا نُحْيِلْ رَبَّ عَسْمَىٰ**  
دادیم که **دَآنْ نُورٍ** ہدایت است و آن [نجیل] تصدیق کننده ای کتاب ماقبل خود یعنی  
تورات است و برای پرہیزگاران ہدایت و نصیحت است»

ازین آیت معلوم شد که همان موضوع و مقصدی که تورات داشت انجیل  
نیز همان [موضوع و مقصد را] دارد و آن ایکم مردم را ہدایت و تعلیم چنان قول و عملی  
داده شود که بوسیله ای آن مشاهده ای نور امامت نموده، بتوانند معرفت آن را حاصل کنند.  
در اخیر این آیت این فرمان خداوند که «نجیل برای پرہیزگاران ہدایت و  
نصیحت است» دلیل روشن این حقیقت است که بر ہدایت و نصیحت انجیل فقط کسانی عمل  
می کردند که خود را از تمام اغراض نفسانی و دنیوی نجات داده بودند تا بوسیله ای ہدایت  
بتوانند نور امامت را مشاهده کنند و آن را بشناسند و مقصد و نشانه کتاب آسمانی همین است.

# مقصد قرآن حکیم:

در آیت ۴۸ سوره مائدہ (۵) فرمان حضرت رب العزت است که: «و ما این کتاب را نزد تو نازل کردیم که هم خود پراز صداقت است و هم مصدق و محافظ کتب ماقبل خود است، پس شما در میان ایشان مطابق این کتاب نازل شده حکم بکنید» آنکنون اینجا این سوال پیامی شود که قرآن حکیم چگونه تصدیق کتب ماقبل را می‌کند؟ و به چه معنی محافظ آنهاست؟ جواب آن اینست که مقصد قرآن حکیم همان مقصد کتب ماقبل بوده است، لهذا موضوعات بنیادی و تعلیمات اصولی قرآن پاک همان است که توریت، انجیل وغیره دارد. بدینکوئه قرآن پاک کتب ماقبل را چنان تصدیق عملی کرده است که بهتر از آن تصدیق دیگری ممکن نیست.

آنکنون این را بیان می‌کنیم که قرآن به چه معنی محافظ کتب ماقبل است، لهذا باید دانست که آن حقائق و معارف که در کتب سماوی ماقبل بیان شده بود تماماً در ظاهر و باطن قرآن پاک محفوظ است، پس از این دو توضیحات که قرآن پاک مصدق و محافظ کتب ماقبل است این تتجه اخذ می‌شود که همان نظریه موضوع خصوصی توریت و انجیل ہدایت و نور است موضوع خصوصی قرآن حکیم نیز ہدایت و نور است، چنانچه بر این فرمان الهی که در آیت ۲۵ سوره نور ارشاد شده است غور و فکر کنید: «خداوند تعالیٰ ہر کہ را بخواهد بطرف نور خود ہدایت می‌کند»، یعنی خداوند تعالیٰ ہر کہ را بخواهد بتوسط قرآن، پیغمبر (ص) و امام زمان (ع) (که همین هستی‌های مقدس ذرایع مشیت ایزدی و ہدایت الهی اند) شناسای

نور مبارک و مقدس خود می‌گرداند، پس معلوم شد که ماتند توریت و انجیل موضوع اصلی و مقصد اعلیٰ قرآن مجید ہدایت و نور است.

## نور در مقابل ظلمت:

در آیت (۶: ۱) ارشاد شده است که: «همه ستایش لائق خداوندی است که او آسمانها و زمین را آفرید و تاریکی ہا و نور را ساخت، با این همه، کافران [دیگری را] در برابر پروردگار خود قرار میدهند»

در این آیت مقدس خداوند تعالیٰ براین بنای ستایش شده است که او آسمانها را و دجحت آن زمین را آفرید و ظلمت ہارا و در مقابل آنها نور را مقرر کرد، که مطلب آن اینست که خداوند تبارک و تعالیٰ عالم دین را آفرید که در خود ماتند این کائنات ظاہر آسمانها، زمین، ظلمت و نور دارد، و اہمیت نور این است که اگر آن نباشد عالم دین نیست و نابود می‌شود چنانکه این حقیقت را همه می‌دانند که اگر در وسط این کائنات ظاہر این آفتاب نباشد این جهان دو هم بزم خواهد شد چرا که انحراف قائم و نظام این عالم بر آفتاب است، کاملاً ہمین طور دار و مدار قرار و ثبات عالم دین بر نور امامت است که آن آفتاب جهان دین است.

## نور و ہدایت:

در آیت (۶: ۹۱) فرموده شده است که: «وانها (قدرت و توانایی) خداوند

تعالیٰ را چنانکه شایان اوست قدر نکردن آنکه که گفتند خداوند تعالیٰ بر هیچ بشری چیزی نازل نکرده است، شما بگویید آن کتاب را چه کسی نازل کرده است که موسیٰ آورده بود که کیفیت آن اینست که آن نور است و برای مردم ہدایت است که آزا شما ورق ورق می‌کنید (یعنی آزا از کیفیت نورانی منتقل کرده و صورت تحریر کاغذی می‌آورید) و اکثر آزا پنهان می‌دارید»

در این آیه کریمہ متعلق به روح زنده ای کتاب آسمانی حقائق و حکمت‌های بسیار نهفته است که برای فهمیدن آن آگاهی از حقیقت و کیفیت وحی والہام شرط ضروری و حقیقی است، بناءً وحی و تنزیل در صورت یک نور علی و یک روح زنده واقعی شود که آزا نزول روح القدس یا روح الائین می‌گویند، نیز نور این عقل و دانش و روح علم و حکمت را که مملو از عجائب و غرائب و کرامات و محجزات بی شمار است، در معانی حقیقی آن، کتاب آسمانی می‌گویند، حتی اگر از زبان مبارک پیغمبر و قلم کاتب گذشته در صورت تحریری بروی کاغذ نیایم و باشد.

باید بیاد داشت که کتاب آسمانی بعد از به تحریر آمدن نیز بدون [هیچ] کمی و کاستی در صورت و حالت اصلی خود در روحانیت عظیم الشان پیغمبر و امام عالی مقام برای همیشه بر جا و قائم می‌ماند و همین کتاب را نور زنده و ہدایت حقیقی امام زمان (ع) می‌گویند. باید دانست که موضوع کتاب باطنی نخست نور بعداً ہدایت است و مضمون کتاب ظاهری اول ہدایت و بعد از آن نور است، معنی آن اینست که از نور مقدس امام (ع) راه حقائق و معارف قرآن میسر می‌شود و از ہدایت علم و حکمت قرآن می‌توان به

معرفت نور امام رسید.

## نور [اگر] حاصل شود زندگی ابدی حاصل می‌شود:

در آیت (۶ : ۱۲۲) ارشاد پروردگار عالم است که: «آیا آن شخص که خست مرده بود بعد اما زنده اش ساختیم و او را چنان نوری دادیم که توسط آن در مردم گشت و گذاری کنند برای برابر آن شخص شده می‌تواند که حالت او چنین باشد که در تاریکی ها قرار داشته [و] نبی تو انداز آن بیرون شود»

حکمت این آیه مقدسه اینست که مراد از مرده [شخص] جا بهل است و تا ویل زنده کردن دادن علم حقیقت است، معنی مقرر کردن نور حصول معرفت نور امام برحق (ع) است و اشاره ای گشت و گذار توسط نور در مردم، زندگی جاویدانی و داخل شدن در روحانیت مردم است وغیره.

## پیروی نور بعد از رسول (ص):

در آیت (۷ : ۱۵۷) این ارشاد است که: «آنان که براین نبی ایمان می‌آورند و حمایت ویاری اش می‌کنند و از آن نور که با او [نبی] یکجا فرستاده شده است پیروی می‌کنند، فقط همان ها فلاح یابندگان اند»

حکمت این آیه مقدسه اینست که مومنین با ایمان آوردن و حمایت ویاری

کردن رسول اکرم (ص)، بر قرآن مجید نیز ایمان می آورند، چرا که رسالت رسول در صورت قرآن است و از آن هرگز جدا نیست، اکنون سوال درباره ای آن نور [است] که مؤمنین از آن پیروی کردند، آن همین نور امامت است، چرا که دور اسلامی دو حصه دارد، در حصه خست عهد نبوت است که بیشتر تعلق به امور تنزیلی دارد و در حصه دوم عصر امامت است که در آن اکثر امور تاویلی مذهبی باشد، پس سبب همین است که مؤمنین در زمان تنزیل اطاعت از پیغمبر (ص) می کنند و در زمان تاویل اطاعت از امام می کنند.

نیز باید دانست که در این آیه کریمه بعد از اطاعت رسول اکرم (ص) ذکر پیروی نور امامت شده است، اند رین این پیشوائی است که بعد از آنحضرت (ص) تاریکی غفلت و جهالت گسترش یا فتنی است که آن را فقط نور امام اطهر (ع) می تواند دور کند.

## کوشش ناکام خلاف نور الهی:

در آیت (۹ : ۲۲) ارشاد الهی است که: «آنها این رامی خواهند که نور خدا را با (پف های) دهان های شان خاموش کنند و خداوند جز این نمی خواهد که نور خود را به کمال بر ساند، هر چند که کافران را خوش آیند نباشد»

یکی از حکمت های این آیت کریمه اینست که کوشش ناکام برای خاموش ساختن نور الهی آن شخص می کند که او را نشناشد و با او شنمی کند چرا که نور خداوند تبارک و تعالی ماتند حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد مصطفی (ص) در لباس بشیرت پیش مردم ظاهر است،

مختصر اینکه علتِ مخالفت و شمنی با پیغمبر و امام علیهم السلام جز کوری و جهالت چیزی دیگری نیست، چرا که در دنیا وجود چنین کافری ممکن نیست که اول خدا را قبول کند بعداً درباره ای هستی ای باور کنده که نور خداوند همین [هستی] است و بعداً کوشش کند که آن را خاموش بسازد.

## اتمام نور:

در اینجا یک سوال مهم اینست که خداوند تعالیٰ نور خود را چه کونه به اتمام می رساند؟ آیا نور او ازلًا و ابدًا درجه ای تمام و کمال را ندارد؟ آنون جواب این سوال اینست که بیشک نور خدا از همیشه تمام و کامل است و فی نفسه گرگز هرگز [درو] هیچ کمی نیست، لیکن در عالم دین مطابق مصلحت خداوند چندادوار مقرر می شود، و در هر دو نور مقدس و مبارک خداوند توسط علم و عمل تعدادی کثیری از ارواح پاک را با خود یکی می کند، پس از لحاظ تنویر ارواح فرموده شده است که خداوند تعالیٰ نور خود را اتمام خواهد کرد.

## وحدتِ نورانی آفتاب و مهتاب:

در آیت (۱۰:۵) این ارشاد مبارک است که: «خداوند همان است که خورشید را روش و مهتاب را نورانی ساخت و برای او منازل مقرر کرد تا شما حساب و شمار سال ها را معلوم کنید»

تاویل این فرمان ربانی ایست که بدان گونه که آفتاب و مهتاب از لحاظ جسمانیت دواند و از لحاظ روشی کلی اند همینطور پیغمبر (ص) و امام (ع) در جسمانیت دو و در رو حانیت کلی اند نیز در دور امامت امام (ع) و جلت اعظم (باب) آفتاب و مهتاب عالم دین اند که ظاہریت ایشان جدا و باطنیت ایشان کلی است.

این نیز یک حکمت تاویلی این آیت مقدس است که همان گونه که حساب سالها، ماهها، هفتة ها و روزهای دنیوی از آفتاب و مهتاب ظاہری معلوم می گردند همین طورا و قات دنی از آفتاب و مهتاب باطنی که پیغمبر (ص) و امام (ع) یا که امام و باب اند ساخته معلوم شده می توانند.

## طلبات و نور:

در آیت (۱۶ : ۱۲) ارشاد شده است که: «بُكُوكَه آيَا نَابِينَا وَبَيْنَا بَرَابِرَانِد؟ يَا آيَا تاریکی ها و نور برابر اند؟»

در اینجا قرآن حکیم به زبان مخصوص تاویل خود بطرف این حقیقت متوجه می سازد که آن شخصی که از حقائق و معارف دین نابینا است هرگز هم پله ای آن شخص نیست که از نعمت چشم بصیرت و دیده ای دل نواخته شده است، و نه تاریکیهای کفر و جهالت و انوار ایمان و عرفان برابر است.

باید دانست که این نابینایی و بینایی متعلق به دل انسان است چنانکه در آیت

(۲۲: ۴۶) ارشاد است که: «پس تحقیق چشم ها کو نیستند بلکه دلهای [کوراند] که درینهای اند» پس معلوم شد که ظلمت و نور روحانی نیز متعلق به چشمهای دل است نه به چشمهای

سر.

## کتاب، پیغمبر و نور:

عادت و سنت خداوند تعالی اینست که هرگاه بخواهد بریکی از پیغمبران خود کتاب آسمانی نازل می فرماید تا آن پیغمبر بتوسط این کتاب مردم را از تاریکیهای غفلت و ناشناسی بیرون آورد و به طرف نور امام شناسی آورد، و بعد از آن حکم خدادار تمام دور خود بتوسط همین نور، یعنی امام (ع)، به طرف خداوند تعالی براه راست ہدایت می کند. همانگونه که خداوند تعالی به آنحضرت صلیعم فرمود که: «ما این کتاب را به توبه این سبب نازل کردیم تا مردم را بحکم پور و گارشان از تاریکی ها به طرف نور بیرون آورد و به راه خداوند تعالی که مقدار و سزاوار همه ستایش است، راه نمایی» (۱۴: ۱۴).

## هادی و نور:

تعلیم مقدس سوره ابراہیم آیت ۵ (۱۴: ۵) اینست که: «یقیناً ما موسیٰ را با نشانی های خود فرستادیم که قوم خود را از تاریکی ها به طرف نور بپرورد و روز های خداوند را به آنها یاد آوری کند، یقیناً داین نشانی های زیادی برای صبوری که شکرگزار است، می باشد»

در این تعلیم قرآن پاک این حکمت پنهان است که چون در این دنیا همیشه در یک طرف تاریکی کفر و جهالت موجود است و در طرف دیگر نور ایمان و ایقان نیز دائم الوقت وجود دارد اما فطرت و عادت مردم چنین است که آنها بخودی خودنمی‌توانند از این ظلت بیرون آیند و به نور داخل شوند، لهذا خداوند تعالی نشانی‌های خود را بیک‌هادی داده [او را] بحیثیت پیغمبر یا امام مقرر می‌فرماید؛ تا مردم هادی زمانه‌ای خود را بشناسند و بتواتر مطابق ہدایت او تاریکی را ترک کرده به راه نور گامزن شوند.

در اینجا این را باید پرسید که آن نشانی‌های که در این تذکره حضرت موسی بیان شده است چرا برای هر شخص عام نیست؟ و سبب آن چیست که این نشانی‌ها فقط برای کسانی که صبر و شکر کنند گان اند مخصوص است؟ جواب آن اینست که از صبر و شکر کردن دیده ای دل روشن می‌شود تا با مشاهده کردن نشانی‌های خداوند تعالی مقصد و منشأ او معلوم گردد و معرفت نور او عینی امام زمان (ع) حاصل شود. برعکس آن شخصی که شکار خودخواهی، نفسانیت، بی‌صبری و ناشکری شده باشد بر حشم بصیرت او پرده‌ای غفلت می‌افتد، بعد از آن اونشانی‌های خداوند تعالی را که در کتاب سماوی و یا پیغمبر (ص) و امام (ع) هست، دیده نمی‌تواند.

## نور امام زمان کتاب روش است:

پروردگار عالم در آیت (۲۲: ۹-۸) می‌فرماید که: «از مردم کسی هم ہست که

بغیر علم، بجز پدایت و بدون کتاب روشن درباره ای خداوند تعالی مجادله می کند، پهلوی خود میگرداند تا از راه خدا بگرداند»

تاویل این تعلیم سماوی اینست که هیچ شخصی بدون شناخت و معرفت داعی، حجت و امام زمان علیه السلام نمی تواند درباره ای معرفت خداوند تعالی مباحثه و مناظره کند، چرا که داعی علم، حجت پدایت، و امام (ع) کتاب روشن است، در حالیکه داعی در مرتبه ای علم اليقین، حجت در مرتبه ای عین اليقین، و امام در مرتبه ای حق اليقین است.

دلیل این حقیقت اینست که داعی بتوسط علم اليقین مردم را دعوت کرده به جست می سپارد، حجت بتوسط عین اليقین ایشان را پدایت کرده به معرفت نورانی امام می رساند، و امام بتوسط کتاب روشن نور خود تمام حقائق موجودات ظاهری و باطنی را به آنها واضح و روشن می کند.

## نور کائنات:

در آیت (۲۵ : ۲۴) فرمان حق تعالی است که: «خداوند تعالی نور آسمانها و زمین است، مثل نور او بمحضون چراغدنی است که در آن چراغی روشن باشد، آن چراغ در قنیل آگلکینه باشد و آن قنیل چون ستاره دخشان باشد، که از (روغن) دخت مبارک زیتون افروخته می شود که نه شرقی است نه غربی، نزدیک است که روشنش (بخودی خود) روشن شود اگرچه آتش به آن مس نکرده باشد، آن نور بالای نور است، خداوند تعالی هر که را

بخواه به راه نور خود می‌گارد»

حکمت و تاویل آیه کریمه مذکوره بالا اینست که نور خداوند تعالیٰ ظاہر او باطن او بصورت علم و حکمت و رشد و هدایت موجود است که از وجود مبارک امام حی و حاضر طلوع کرده آسمانهای حدود روحانی وزین‌های حدود جسمانی رامنورمی سازد، این نویع علّق به خانه حکمت (یعنی خانه نبوت یا امامت) است که افراد خاص آن را اهل بیت می‌کویند، که ایشان برای این نور مرتبه‌ای طاق (یعنی چراغدان) را دارند، اصالت خانوادگی و مرتبت علمی آنحضرت (ص) مثال آن قنیل است که هچون ستاره درخشان است، که در آن جسمانیت امام اطهر کویا نظر آن چراغ محجزانه است، روایت امام علیه السلام را به روغن زیتون شبیه داده شده است، مراد از درخت زیتون خاندان پاک حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص) است، در روغن این چراغ نفس کل عقل کل یعنی روح مقدس و عقل همه رس امام مانتد فتیله و شعله است، معنی آتش تائید محجزانه است، و مطلب «نور بالای نور» یک امام بعد از امام دیگر است.

بنابراین روشنی ای هدایت که از شعله ای عقل همه کیر امام اطهر (ع) [همواره] می‌تابد بتوسط حدود روحانی و جسمانی در ظاہر و باطن کائنات و موجودات می‌گسترد تا از این راه هستی و بقای آسمان، زمین، عناصر، جمادات، نباتات، حیوانات و انسان ساخته شود و هر یک از موجودات و مخلوقات مطابق صلاحیت و قابلیت خود این هدایت را حاصل کرده بتواند.

# دلائل مختصر این حقائق:

خداوند تعالیٰ ذات پاک خود را نور یا روشی آسمانها و زین قرار داده است، معنی آن اینست که او جل شانه روشی هایی کلی بلندی و پستی این کائنات است، یعنی نور خداوند تعالیٰ آسمان و زین و هر چیز را از تاریکی بیرون کرده به روشی هستی آورده است. نه فقط این، بلکه هرگونه حرکتی که در آسمانها، سیاره ها و عناصر وجود دارد و یا هر چیز که به هرگونه ای [وجودش] ساکن است، سبب اصلی آن بهنایی نور خداوند تعالیٰ است. نیز در همه قوت های تکوینی، تخلیقی و حفاظتی این کائنات هایی است نور کار فرماید.

این نیز معنی های نور کائناتی خداوند تعالیٰ است که در روشی معرفت این نور اسرار کائنات را میتوان ظاهر باطن مشاهده و مطالعه کرد و کائنات را میتوان روحاً یا جسمی مسخر کرد. بنابراین معلوم شد که نور خداوند در صورت عقل و دانش، علم و حکمت، ورشد و پدایت است نه در کیفیت یک روشی ای مادی.

چون در نزد خداوند این هیچ عیبی نیست که علاوه بر آسمانها، زین نیز در نور خدا مستقر بماند، که در آن هرگونه حیوان یا انسان های بد و نیک در جمیع باشند گان آن شامل است، پس در این چشمکی ممکن است که مرکز نور او تعالیٰ در ذات عالی صفات امام اقدس موجود است.

اگر دیدار و معرفت نور خداوند تعالیٰ ناممکن می بود در آن حال او مثال نور خود را به چیزی که در نزد مردم ظاهر است نمی زد، چون او مثال نور خود را به چرا غ ظاهری زده است،

ثابت شد که دیدار نورانی و معرفت او از ممکنات است و این فقط به وسیله‌ای امام اقدس ممکن است.

اگر نور خداوند در ظاهر و باطن از مشاهده‌ای قریبی برتر و نارسامی بود، تقاضای عدل و انصاف این بود که خداوند نور خود را به آفتاب تشبیه دهد. لیکن او چنین نکرده است بلکه او نور خود را به چراغ خانه تشبیه داده است، معلوم شد که نور پاک او در میان انسان‌هاست که آن در جامه‌ای بشیرست انسان کامل یعنی امام حی و حاضر علیه السلام است.

اگر نور خداوند جامه‌ای جسمانیت را هیچ‌گاه تبدیل نمی‌کرد و مانند آفتاب در ظاهر بیک حالت می‌ماند آن صورت مثال آن به آفتاب زده می‌شد و به چراغ زده نمی‌شد. همانگونه که برای این کائنات آقابی است و برای خانه چراغی، همان‌طور برای دور کردن تاریکی دنیا ای انسانیت انسان کامل یعنی امام زمان (ع) موجود است. اگر در ترعرعل و داش جهالت یک نوع ظلمت و تاریکی است و د مقابل آن علم و حکمت نور، در آن حال این نیز درست صحیح است که این نور علم و حکمت و رشد و هدایت بدرجای اتم در انسان کامل موجود است.

اگر دنیا یک عالم است، دین نیز یک عالم است و اگر آفتاب دنیوی یک نوع مادی است که در آن عقل و روح نیست، نور عالم دین دارای عقل و روح است و آن نور فقط امام است.

این حقیقت تقریباً نزد همه مسلم است که انسان بطور یک فرد یک دنیا ای کوچک است و در آن یک نمونه‌ای کوچک روشی نیز است که بنام عقل جزوی مشهور است، بنابراین

تمام انسان‌ها به صورت اجتماعی یک دنیای عظیم اند و آن یک نویع عظیم الشان نیز است که او را انسان کامل یا امام زمان (ع) می‌گویند.

چون انسان چشم‌های خود را متوجه کرده آن قاب تابناک را می‌نگردد، از صدمه ای باران شدید ذات روشی چشم‌ها فوراً خیره می‌گردد، کاملاً همین طور ہر کسی که بر ذات و صفات امام عالی مقام تطری بصره و تنقیدی افکنند، خیالات گوناگون از شخصیت امام دل او پیدا شده اواز چشم عقل کورمی شود.

اگر انسان بجای دیدن آن قاب برآه راست، از نظر علم و حکمت فسائس ظاہری بگردد می‌تواند درباره ای آن قاب حقائق بسیاری بفهمد و ازاوبیش از بیش استفاده کند، همین طور ہر شخصی که امام علیه السلام را بجای دیدن بازگاه ظاہری سعی می‌کند با چشم علم و حکمت بگردد، ساعتمندی خیلی بزرگ اوست.

## نور علیاً نور:

اگر ما این عقیده را نداریم که نور امام از ازل در جامه ای بشیرت به همیگونه است که اکنون است، یعنی معنی «نور علی نور» را نخواهیم فهمید چرا که در «نور علی نور» چنان تصوری است که نوری قبلاً موجود است و نوری بعداً بوجود آید و بعداً ہر دن نور با هم یکجا شوند، و این یک حقیقت است. پس معلوم شد که این سلسله ای یک امام بعد از امام دیگر از همیشه جاری است و این چنین حقیقت جامعی است که دیگر تمام حقائق در آن کنجیده

شده است.

چون از تصور «نور علی نور» معلوم شد که نور بطا هر می تواند بیش از یک نیز باشد مگر اصلیت و حقیقت آنها از همیشه یکی می ماند، چون علاوه بر آفتاب، مهتاب و ستار گان نیز نوع انوار مادی هستند مگر این همه انوار در مقام وحدت یعنی در ذات آفتاب یکی استند و مقصد آخرین آنها نیز یکی است.

علاوه بر آن این نیز یک مثال واضح یگانگی دیگر رنگی و وحدت نور است که چون ما چند مشعل را باز نگاه می مختلف در یک مکان روشن می کنیم در آن حال روشنی و رنگ آن همه یکی میگردد، این مثال از یک طرف وحدایت انوار الهی است و از طرف دیگر یگانگی ارواح مؤمنین است.

یکی از حکمت های «نور علی نور» این نیز است که نخست جسم مبارک و مقدس امام ساخته می شود که نور هدایت ظاهری و جسمانی است و آن به این معنی نور است که روشنی هدایت ظاهری و بنیادی از برکت جسم مبارک امام است بعد از آن نور روح ناطق امام است، بالای آن نور نفس کلی است و برآن نور عقل کلی قائم است، این است معنی نور بالای نور.

## نور و رضامندی خداوند تعالی:

در آیت (۳۵ : ۲۴) تعلیم ربی ای است که خداوند تعالی هر کسی را که بخواهد بر راه

نور خودمی گارد، مطلبش اینست که هیچ کس بدون رضامندی و خوشنودی خداوند تعالیٰ شناخت و پروردی نور او را کرده نمی‌تواند.

در اینجا از یک طرف این ظاہر است که نور خداوند تعالیٰ همیشه در دنیا موجود است و از طرف دیگر این معلوم می‌شود که مرافق ہدایت دواند، در مرحله تخت ہدایت خداوند است که از پروردی کردن آن نور خدا حاصل می‌شود، در مرحله ای دیگر نور ہدایت خداوند است که از پروردی آن سلامتی و نجات ابدی حاصل می‌شود.

**برای کسی که خداوند نور مقرر نکنند برای او هیچ نوری نیست:**

در آیت (۴۰: ۲۴) فرموده شده است که: «وبرای کسی که خداوند تعالیٰ نور مقرر نکنند برای او هیچ نوری نیست» واضح باشد که مقرر کردن نور خداوند تعالیٰ به این گونه است که او به رسول اکرم صلعم می‌فرماید و آنحضرت برای کسانیکه رضامندی خداوند باشد، نور مقرر می‌کند.

از قرائت این آیه مبارکه معلوم می‌شود که چنین نیست که مسکنین اعمال نداشته باشند، ایشان اعمال دارند مگر بی فایده، چرا که حقائق از آنها پوشیده است زیرا خداوند برای آنها نور مقرر نه فرموده است، پس مثال اعمال آنها مانند سرابی که در بیابان باشد است که آن را شخص تشنه از دور آب پندار و مگر چون نزدیک آیدی بیند که هیچ چیزی نیست، همه ریکستان است. یا مثال اعمال آنها مانند تایلیهای است در بحیره رف که آن را موج

بزرگی بپوشاند، بالای آن موج دیگری باشد و بالای آن ابری باشد تیره. الغرض تاریکی بالای تاریکی است که اگر در چنین حالت یک انسان دست خود را بیرون کند احتمال دیدن آن هم نیست.

## آفتاب و مهتابِ عالمِ دین:

هدایت آیت (۲۵:۶۱) اینست که: «بسیار بارکت است آنکه در آسمان بروج آفرید و در آن یک مشعلی یعنی آفتاب و مهتابِ نورانی را آفرید»  
باید دانست که برکت حقیقی در چیزهای دنیوی نیست بلکه در چیزهای دینی است، پس خداوند تعالیٰ خیلی بارکت به این معنی است که او عالمِ دین را آفرید، و در آسمان رو حانیت آن دوازده برج یعنی دوازده جنت را آفرید، و در آن آفتاب و مهتاب را آفرید یعنی پیغمبر و امام را در دور نبوت، و امام و جلت اعظم را در دور امامت.  
اگرچه بروج دوازده اند لیکن از حساب دو بخش شب و روز همان دوازده، بیست و چهار می شوند و از روی حساب منازل بیست و هشت می شوند، همینطور جهان جز ارمام علیه السلام دوازده (۱۲) اند، جهان شب و جهان روز [با هم] بیست و چهار (۲۴) و با جهان مقرب بیست و هشت می شوند.

## کتاب مُنیر:

در قرآن حکیم (۲۱: ۲۰) ارشاد است: «وَإِذَا مَيَّاْنَ مَرْدَمْ شَخْصِيْنِ نَيْزِ اسْتَكَهْ بَغِيرِ عِلْمٍ، بَغِيرِ هَدایتٍ، وَبَغِيرِ كِتابٍ مُنِيرٍ دَمُورَدْ خَداوَندْ مَجَادِلَهْ مَيْ كَنَدْ» در اینجا، در دور نبوت مراد از علم جلت، مطلب از هدایت امام (ع) و معنی کتاب روشن آنحضرت صلیع است، و در دور امامت مراد از علم داعی است، و مراد از هدایت جلت، و مراد از کتاب روشن امام علیه السلام است، «حالیکد در جات تاویلی و حدود دین مطابق تقاضاهای زمان و مکان است.

نیز همیگونه باید دانست که در دور امامت داعی علم اليقین است، جلت عین اليقین و امام زمان علیه السلام حق اليقین [است]، پس بدون این حدود دمورد ذات و صفات خداومند معرفت و توحید و مباحثه و مجادله کردن باعث کراهی است.

## از ظلمات تناور:

در آیت (۴۱: ۴۴ – ۴۲: ۳۲) فرموده شده است که: «أَيِّ كَسَائِيكَهِ إِيمَانٌ آُورَدَهِ أَيْدِ! خَداوَندِ رَابِّ الْكُثُرَتِ يَادِ كَنِيدِ وَصَبَحِ وَشَامِ تَسْبِيحٍ أَوْ رَاجْنَوَانِيدِ، هَمَانِ اسْتَكَهْ بَرْشَمَا صَلَوَتُهُ مَيِّ فَرَسْتَدِ وَفَرْشَتَهُهَايِيْ اوْ نِيزِ بَرْشَمَا صَلَوَتُهُ مَيِّ فَرَسْتَدِ تَخَداوَندِ شَمَارَهَا زَتَارِيْكَيِّ هَابِرِونَ آُورَدَهِ بَطْرَفِ نُورَآُورَدِ وَخَداوَندِ تَعَالَى بَرْ مُونَانَ بَسِيَارَ مَهْرَبَانَ اسْتَ، آنَهَا (مُونَانَ) رُوزِيَّهِ بَاخَداوَند

تعالیٰ ملاقات کنند دعای آنها سلامتی خواهد بود و خداوند تعالیٰ برای آنها پاداشی بسیار بزرگ آماده کرده است»

حکمت مجموعی آیات مذکوره بالا بیان می کند که شناخت حقیقی نورتا آنوقت ناممکن است که ایمان انسان کاچه مکمل نشود، و نشان ایمان کامل اینست که مومن بادل، زبان و عمل دائمًا ذکر خدا را به کثرت انجام دهد، حتی که او دائمًا الذکر نشود، در صورتیکه این ذکر مملو از مسرت های روحانی می باشد، و اصبح شام بازبان حال وزبان قال پاکی خداوند تعالیٰ را بیان می کند یعنی ظاهر و باطن، و گفتار و کردار او، بهم پاکیزه می باشد در حاليکه او در حضور خداوند کریم و عجز و انكساري کرده ترکیه ای نفس خود را می کند، و تیجنا خداوند تبارک و تعالیٰ و فرشتگان او بر چین بندگان خاص صلوٰت می فرماید که از آن بتدريج تاييكيهای غفلت، جهالت و معصيت از آنها دور می شود و نور و احبابی و علی صلوٰت الله عليهما بمحجرات و عجائبات علمی و عرفانی خود بر دل و دماغ آنها جلوه گرمی شود، اين رحمت خاص خداوند تعالیٰ فقط برای مومنان حقیقی مخصوص است، روزیکه بر یک مومن حقیقی دیدار روحانی نور مقدس خداوند تبارک و تعالیٰ حاصل می شود، آنوقت مومن بازبان حال برای سلامتی خود دعایی کند که او ابدًا زنده و سلامت بماند که آن را خداوند تعالیٰ قبول می فرماید: توفيق الهی خلاصه ای تاویلی آیات مذکوره بالا بیان شد.

## چرا غرشن:

در آیت (۲۳ : ۴۵ و ۴۶) فرمان الهی است که: «ای نبی همانا ما تو را

[بحیث] کواه، بشارت دهنده، ترساننده، و دعوت‌کننده بطرف خداوند حکم او، و چراغ روشن ساخته فرستادم»

از حکمت این دو آیات مقدس این حقیقت ظاہر است که در اینجا بعضی از صفات پاینده وزنده ای حضور اکرم صلعم بیان شده است که بدلیل آنها تمام صفات دیگر آنحضرت (ص) نیز زنده و پاینده ثابت می‌شود، مثلًاً چون مسلم شد که پیغمبر (ص) بر تمام اعمال اُمت خود کواه است، در حالیکه معنی کواه کسی است که در پیش معامله ای حاضر و موجود باشد، بنابراین باید دانست که این صفات آنحضرت برای همیشه زنده و باقی است ولازماً صفات بسیار دیگر او (ص) نیز همیگونه لازوال است.

نیز بشارت دهنده و ترساننده را باید که پیش اعمال بندگان حاضر و موجود باشد تا نیکو کاران را بشارت دهد و بد کاران را بررساند: همیگونه یک صفت زنده ای نبی اکرم صلعم این نیز است که او اکنون هم حکم خدا مطابق زمان به راه حق دعوت می‌کند چنانکه در عهدنبوت مطابق به آنوقت دعوت می‌کرد، معنیش اینست که دعوت پیغمبر (ص) همیشه تابع وحی الهی می‌باشد، تیجه‌ای حتمی آن فقط همین برمی‌آید که نور مقدس پیغمبر صلعم در بشیریت امام زمان حی و حاضر است.

همین مثال [مثال] چراغ روشن نیز است که چراغ پاک نور خدا باید که هیچ وقت خاموش شود و صفت او هیچ‌گونه کمی و یا زوال پیدا شود، بنابراین در چندین مقام در قرآن حکیم این فرموده شده است که نور خداوند یک حقیقت لازوال است، پس این همه صفات زنده و پاینده بعد از حلول آنحضرت (ص) فقط در حیثیت نور باقی و برقرار است

و آن نور مقدس او در مولانا علی علیه السلام و دسلسله ای امامت آآل علی علیه السلام برای همیشه قائم است.

در آن حکیم سراجِ منیر (چراغِ روشن) چنان یک اسم بزرگ پُر حکمت و جامع نور تبوت و امامت است که در حقیقت و معنویت آن جمله قدرت و مظہریت جمله اسماء صفات خداوند تعالیٰ کنجیده شده است، در اثبات این حقیقت فقط همین قدر گفتن کافی خواهد بود که خداوند تعالیٰ در مورد همین نور جامع صفات خود، که آن از چراغ هستی انسان کامل طلوع شده عالم دین و دنیا را منور می کند، در آینه نور می فرماید که: «خداوند نور آسمانها و زمین است، مثال نور او مانند یک چراغ دنی است که در آن چراغی روشن باشد» هر چند که از لحاظ ذات بیچوں حق بسخانه و تعالیٰ هیچ چیز مشابه و مانند او شده نمی تواند، چنانکه در قرآن پاک فرموده شده است که: «هیچ چیزی مانند او نیست و اوست شنوازی بینا»

(۴۲: ۱۱).

## طُمَّلَتِ جَهَالَتْ وَ نُورِ مَعْرِفَةْ:

در آیات (۳۵-۱۹-۲۲) فرمان ربیاني است که: «ونابینا و بینا برابر نیستند و نه تاریکی و روشنایی، و نه سایه و گرمای خورشید، و مردگان و زنده‌گان یکسان نیستند. خداوند هر که را بخواهد می شنواند، و تو نمیتوانی سخن خود را به آنان که در گور خفته‌اند، بشنوانی» در این آیات مقدس تذکرہ تقابلی نتایج عقیده‌ای درست در یک طرف و نظریه

ای غلط به طرف دیگر است و بزبان حکمت فرموده شده است که نظریه ای غلط باعث کوردی و نادانی می شود و عقیده ای درست سبب بصیرت و دانشمندی می شود. تتجه ای کوردلی یعنی نایینی دل بصورت جهالت صادر می شود و ماحصل بصیرت قلبی، نور معرفت است. در تتجه ای نور معرفت سایه ای راحت رشد و هدایت حاصل می شود، و در تاریکی جهالت بعد از آواره گردی بیابان سوزان گراهی به پیش می آید. سایه شنیان نور معرفت و رشد هدایت بطور روحانی زنده ای جاوید می شوند و کسانی که در آن یگستان ضلالت سوزان استند بطور نفسانی هلاک می شوند. آنها یکه در سایه ای رحمت و هدایت الهی بطور روحانی زنده شدن می توانند سخن علم و حکمت خداوند متعال را بشوند و کسانی که در بیابان گراهی هلاک شدن آنها در قبرهای نیستی و معدومیت مدفون شده اند. ایشان را سخن علم و حکمت نمیتوان شنوند.

## محجرات انبیاء، کتب و تاویل:

در آیت (۲۵ : ۲۵) فرموده شده است که: «و اگر این مردم تو را تکذیب کردند، کسانی که پیش از اینها بودند نیز پیغمبرانی را که با محجزات، کتب و کتاب روشن برای هدایت شان آمدند تکذیب کردند»

از این تعلیم مقدس قرآن حکیم ظاهر است که با پیغمبران سه گونه چیزهای عظیم الشان می باشد و آن است: محجزات، کتب و کتاب مسیر لیکن در این باب یک سوال مهم مطرح

می شود که علاوه بر محجزات و کتب پیغمبران، کتاب مُنیر (روشن) کدام است و یاچه چیز است؟  
چرا که به لحاظ الفاظ عربی این آیت کریده معنی بینات محجزات است، معنی زُبُر که جمع زبور است کتابها است، و ترجمه‌ای کتاب مُنیر کتاب روش است.

بنابراین سوال بود که کتاب روش کدام است؟ و نیز این سوال شده می‌تواند که آیا اکنون هم آن کتاب روش موجود است یا خیر، (حالیکه با تمام پیغمبران قبل از آنحضرت (ص) همیشه با همه بوده است)؟ جواب ساده و آسان این سوال ها این است که کتاب روش نام نور امامت است و آن با پیغمبر آخر زمان هم بود، و اکنون نیز موجود است و همین نور بحیث تاویل عملی و حکمت بالغه‌ای کتب سماوی تمام پیغمبران است، چرا که همین نور امامت همان نویست که در آن جمله اسرار روحانیت و جمله حقائق و معارف روش تاویلات موجود است.

## شرح صدر:

در آیت (۳۹: ۲۲) فرموده شده است که: «آیا کسی که خدا سینه‌اش را برابر اسلام کشاده است و او بر نور پروردگار خود است (آیا آن شخص و کسانیکه قساوت قلبی دارند برابر اند؟) پس آنانکه قلب‌هایشان از ذکر خدا تاثیر نیز نمی‌شوند، آنها دخرا بی بزرگ و در گمراهی آشکاراند»

این آیت پاک تختست از همه در شان انسان کامل یعنی پیغمبر آخر زمان و امام

برحق علیهم السلام است و بعد ابتدریج درباره ای حدود دین دیگر نیز است، چرا که وسعت قلبی عطا شده از طرف خداوند تعالیٰ، اسلام یعنی اطاعت، و نور خداوند بوسیله و توسط انسان کامل برای حدود دین نیز حسب مراتب حاصل می شود، و در ذات اقدس انسان کامل این صفات و تمام خوبی های دیگر به درجه ای اتمم ہمیشه موجود می باشد.

تعلیم حکیمانه ای این آیه مقدسه از ذکر «شرح صدر» یعنی «وسعت قلبی» آغاز می شود و فرموده می شود که هیچ کس نمی تواند دین اسلام را کا حق قبول کند تا و قییمه خداوند تعالیٰ به او وسعت قلبی عطانه فرماید، نیز به اعتبار پهلوی معنوی دیگر لفظ اسلام فرموده شده است که اگر کسی از جانب خداوند کشاده دلی عنایت نشده آن کس اطاعت و فرمانبرداری کرده نمی تواند، چرا که معنی اسلام اطاعت و فرمانبرداری است. و بعد امی فرماید و قییمه خداوند قلب شخصی را کشاده کرد همان شخص می تواند اسلام یا که فرمانبرداری حقیقی بجا آورد. [و] چون او فرمانبرداری هادی برحق را کردد دل و دماغ او نور خداوند تدریج جلوه کردن آغاز می کند و ذکر الهی خود کار می کردد که به سبب آن دتفلب او رفت و نرمی پیدامی شود و در نتیجه ای این سلسه ای ھدایات صوتی محجزانه ای خداوند تعالیٰ شروع می شود.

بر عکس این صورت حال، که در آن محجزات زنده ای حقائق و معارف موجود است، کسانیکه دلهاي شان تنگ و تاریک است اسلام حقیقی را قبول کرده نمی توانند، [و] به سبب آن دلهاي شان قابل نور الهی شده نمی توانند، و نرمی توانند که ذکر خداوند را ادامه دهند، پس آنها به مرض روحانی ای قساوت قلبی بمتلاشده در بیابان گمراهی و ضلالت ہلاک می شوند.

## زین از نور پروردگار خود روش خواهد شد:

در سوره متنذکره بالا دمورد ظهورات کوناگون نور مقدس پروردگار عالم یعنی نور امامت بطور پیشگوئی ارشاد شده است: «وزین از نور پروردگارش روشن گرد و دو اعمال نامه نهاده شود و پیغمبران و کواهان را بیاورند و به حق میان آنها [مردم] داوری گردد و آنها مورد ظلم قرار نخواهد گرفت» (۶۹:۲۹)

پیشگوئی ای که داین آیه مقدسه در دوران نزول قرآن دمورد نور امامت و واقعات روحانی شده است به چهار حالت تعلق دارد: روحانیت انفرادی، روحانیت اجتماعی یا دور روحانی، قیامت انفرادی و قیامت اجتماعی.

فیضی که در روحانیت انفرادی مومن حقیقی را از نور امامت حاصل می شود، در مورد آن پیشگوئی این آیه کریمه چنین است که در تبیح ای عمل کردن بر هدایات تنزیلی پیغمبر (ص) و هدایات تاویلی امام وقت علیه السلام زین دل هر مومن حقیقی از نور پروردگارش روشن خواهد شد، روحانیت او بحیث یک کتاب زنده [با او] کشکوئی مجرزانه خواهد کرد، ارواح مقدس پیغمبران با جمله محجزات و واقعات خود د مشاهده ای روحانی او خواهند آمد، نیز ظهورات روحانی انوار پاک کواهان یعنی آئمه اطهار خواهند شد و در حق آن مومن با عدل و انصاف داوری خواهد شد.

نور امامت در روحانیت اجتماعی به این گونه اثر انداز است که این نور خداوند تعالیٰ بعد از پیغمبر صلم می کند که در کیفیت هدایت ظاهری و باطنی از سلسله ای امامت

طلوع کرده است و به طوری که مردم جهان را همواره روشن مسلسل علم و حکمت می بخشد، در نتیجه ای آن زمانه ای چنین آدمی است که در آن دنیا ای انسانیت به اوج کمال علم و هنر، عقل و دانش، و شرافت و یگانگی خواهد رسید و هرگونه بدی های نیست و نابود خواهد شد، در آنوقت حق را برابر باطل قحمدنی حاصل خواهد شد و سلطنت حق و حقیقت قائم خواهد شد، عقائد و نظریات غلط تماماً از بین خواهد رفت و فقط عقیده ای درست و نظریه ای صحیح باقی خواهد ماندو همان را فروغ حاصل خواهد شد.

اینست روشن شدن زین از نور پروردگار خود، در اینجا مراد از زین انسانیت است که همه وقت محتاج فیوضات انوار انبیاء و آئمه است، و اینست داوری قانون الهی بامپیش نهادن اعمال نامه های عقائد و نظریات مختلف و حاضر شدن پیغمبران و امامان چرا که انبیاء و آئمه علیهم السلام همین یک دین داشتنند که همه ای آنها مردم را طاهراً و باطنآ طرف آن دعوت کرده بودند، پس چنین زمانه ای روز قحمدنی و کامیابی انبیاء، آئمه هدا و مولیین هر زمانه است که پیشوائی آن جا بجا در قرآن حکیم کرده شده است.

اکنون سوال در مورد تعلق نور امامت با آن قیامتی که بعد از موت جسمانی انسان واقع شدنی است، باقی مانده است، [موت جسمانی که] هم در حالت انفرادی است و هم در صورت اجتماعی، که مثال های آن را در تفصیلات مذکوره بالا میتوان یافت. مگر در این مورد این را باید بخارطراشت که روحانیتی و قیامتی که در زندگی جسمانی پیش می آید آن نوع جزوی است و قیامتی که بعد از موت واقع خواهد شدگی. الغرض همین نور امام اطهر است که اهل دنیا و آخرت همه همیشه محتاج روشنی آن استند.

## اسرارِ عظیم نور:

یک مطلب پرمغز و جامع زبان حکمت آخرين رکوع سوره شوری اين است که بر اعليٰ ترین مقام بشيرت پاکيزيه جلوه ديدار مقدس نور خداوند برای چند لحظه حاصل می شود، اما با اين ديدار اعليٰ ترین کلام الهی ميسرنی شود، البته يك اشاره ای حکمت آگيدينکن است. کلام الهی درجه اي پاين تراز اين ديدار از پشت جا بمي باشد، و درجه اي پاين تراز اين کلام ربانی، بواسطه فرشته وحی می شود.

معنی آن اين شد که سلسه اي طویل روحانیت به هر قدری که است مشتمل به سه درجات است: بنابراین در پاين ترین درجه، حضرت جبرائیل علیه السلام وحی می آورد. به درجه اي بالاتر از اين، خود نور الهی از پشت جا بکلام می فرماید، و به درجه اي بالاترین، اين نور در صورت رحماني برای چند ثانیه جلوه خود را می نماید، اما در اين موقع ديدار انتهايی کلام نمي باشد، البته يك گونه اشاره ای جامع می شود.

پس مطابق همین قانون خداوند تعالیٰ يك روح عظیم را از عالم امر بر حضرت پنغير (ص) وحی فرموده بود، و قبل از اين واقعه، سرور کائنات (ص) از کتاب آسمانی درجات انتهايی ايمان آگاه نبود، لیکن خداوند تعالیٰ همین روحانیت حضوراً كرم را، که هم وحی بود و هم روح، نور ساخت، که در روشنی آن نور پنغير خدا (ص) همچيزها را دانستند، و در روشنی همین نور خداوند از بندگان خود هر که را خواهد هدایت می کند.

خلاصه ای اين بيان اين شد که نور امامت دمعنی «أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا»

نہ تنہا بحیث وحی و قرآن ناطق است بلکه این یک روح عظیم نیز است، و در جایکیه فرموده شده است «جَعَلْنَاهُ نُورًا» در آنجانور امامت برای اسرار مخفی کتاب آسمانی یعنی قرآن صامت روشنی نیز است، واژ لحاظ آنکه فرموده شد «تَهَدِّيْ بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا» ظاہر است که این نور همانست که خداوند تبارک و تعالیٰ توسط آن به انبیاء، قبل از آنحضرت (ص) او حی فرموده رہنمایی کرده بود. [و] اَعْلَمْ «وَإِنَّكَ لَتَهَدِّيْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» معلوم می شود که وقتیکه رسول خدا این نور را یافت، توسط همین نور به راه راست پدایت کرد و برای هدایت مستقبل، حکم خدا امام را مقرر فرمود. سپس این نور در امام منتقل شد، الحَمْدُ لِلّهِ! این حقائق و معارف بزبان حکمت قرآن و در روشنی مشاهدات و تجربات روحانی بیان شد.

## محاجرات نورانی:

در آیت نهم (۹)، سوره حیدر، باری تعالیٰ در مورد نور چنین می فرماید: «او (خداوند تعالیٰ) چنان است که نشانی های روشن بر بندگان خود نازل می کند تا شمار از تاریکی ها بسوی نور ببرد، و بیشک خداوند تعالیٰ بر شما مشفق و مهربان است» در اینجا مقایسه است که باید با عقل و دانش خوب غور و فکر کرد که آن تاریکی ها که یک مسلمان یا یک مومن بدون هادی برحق (ع) نمی تواند از آن بیرون آید چه نوع تاریکیهاست؟ آیا این درست است که گوییم این همان تاریکیهاست که از جهالت و ندادانی

وازگر فقاری های مسائل پیدا کرده ای زمان و مکان در دل و دماغ انسان پیدامی شوند؟ ظاهر است که واقع‌اً مطلب آن تاریکی هایمین است. اگرچنین است، مالازماً این راه تمسلیم باید مکنیم که وسیله ای بیرون آمدن از این تاریکیهای جبل و نادانی و مسائل نو فقط یک چنین ہدایت تازه ترین شده می‌تواند که از طرف خداوند تعالیٰ نازل شده باشد. چنین ہدایت ربائی بعد از آنحضرت صلمع نقطه به وسیله ای امام وقت (ع) حاصل شده می‌تواند، بنابراین همین حکمت در آیه ذکر که بالا بوشیده است.

در روشنی این الفاظ مبارک قرآن حکیم چنانکه فرموده شده که: «او (الله) چنان است که بر بندۀ خود نشانی های واضح نازل می‌کند» معلوم می‌شود که نه تنها یک بندۀ ای خاص خداوند (انسان کامل) در هر زمان موجود می‌باشد، بلکه معاً این فعل خداوند نیز همیشه جاری می‌ماند که او ہدایت حالات تحول یافته را بر بندۀ ای خاص خود نازل می‌کند، و تقاضای عدل و انصاف خداوند تعالیٰ نیز همین است که سرشاری ای نور ہدایت خداوند تعالیٰ در ظاهر و باطن برای همیشه جاری و ساری ماند. بنابراین نشانی های (آیات) ظاهری قرآن پاک، که آنها را نشانی های تنزیلی یا ہدایت ظاهری نیز گویند، در دوران عهدنبوت برسرور کانتات صلمع نازل می‌شد، و بر امام برحق هر زمان نشانی های باطنی قرآن حکیم، که آنها را نشانی های تاویلی و ہدایت باطنی نیز گویند، نازل می‌شود تا در روز قیامت مردم هیچ یک زمانه را این عذر و بہانه نباشد که در زمان او هیچ ذریعه ای آسان ترین ہدایت الہی وجود نداشت.

اگر شما نیز شخصاً می‌خواهید که تحقیق مزید این حقیقت کرد مطمئن شوید، که چگونه

بعد از نزول کامل کتاب آسمانی تا ویل تدیرجی آن تازمانه‌ای دازنازل می‌شود، و چگونه با نزول مکل این تا ویل، قیامت برپامی شود، برای آن باید معنی این تمام آیات قرآن غور کنید که متعلق به تا ویل است، خصوصاً سوره ۱۰ آیه ۳۹، سوره ۱۲ آیات ۶، ۲۱، ۱۰۰ و ۱۰۱ و از همه بیشتر در سوره ۷ آیت ۵۳ غور کنید. بعد اینکه شما اطمینان قلب حاصل خواهید کرد که فقط تا ویل آیات نازل شده‌ای کتاب آسمانی بتدیرج نازل می‌شود بلکه بعضی چیزهای دیگر نیز چنین است که تا ویل آن بعد از یک عرصه‌ای دراز ظاهرمی شود.

بنابراین باید دانست که چون از ہدایات پاک امام زمان علیه الصلوات و السلام تاریکی جهالت و نادانی از دل مومن حقیقی دور می‌شود آنکه محجزات علمی و عرفانی نور امام عالی مقام دول و دماغ او ظهور پذیر می‌شود و او همیشه در باطن خود دنیا می‌عجیب و غیر علی را مشاهده می‌کند. این است معنی نازل کردن نشانی‌های واضح خداوند بر بنده ای خاص خود و بیرون آوردن انسان کامل مومنین را از تاریکی هابسی نور معرفت.

## مومنین، مومنات و نور:

در آیت دوازدهم سوره حمدید در مورد اهل ایمان روحانیت انفرادی، دور قیامت، و نور امامت فرموده شده است که: «روزیکه شما مومنین و مومنات را خواهید دید که نور ایشان در پیش و در سمت راست ایشان سمعی خواهد کرد، در آن روز بشارستان به با غهای است که در زیر آن نهرهای روان است و در آن شما برای همیشه خواهید ماند و این

کامیابی بزرگ است»

اشاره ای پر حکمت آیه مقدسه بالا اینست که هم در روحانیت انفرادی هر زمانه و هم در دور قیامت نور پاک امام حی و حاضر(ع) با مونین و مومنات از پیشانی یا از طرف راست ایشان همواره کلام می کند، معنی «یَسْعَیْ» اینست که در آنوقت منزلهای بیشمار روحانیت اهل ایمان در روشنی و زیبایی این نور به بسیار تیرزی طی خواهد شد. نیز معنی این لفظ اینست که این نور برای هر کوئه بتری و بهودی دینی و دنیوی مونین حقیقی سعی خواهد کرد.

در اینجا البته این قابل ذکر است که نور مطلق بر اساس اعتبارات مختلف، اضافت های مختلف و نسبت های جداگانه دارد. یعنی در قرآن حکیم گاهی این نور پاک را به خداوند تعالیٰ نسب کرده فرموده می شود که «نور از خداوند است» کا گاهی دمغهومات الفاظ چون «چراغ روشن» وغیره اشاره می شود که «نور از پیغمبر(ص) است». بعضی آیات به زبان حکمت خود می گوید که «نور از امام است» و در این آیه مذکوره بالاطلاق هر است که «نور از مونین و مومنات است». بنابراین مونین حقیقی باید در مورد این قانون وحدانیت و نظام جامعیت نور مقدس خوب غور و فکر کنند که در این کثرت نمایی نور واحد چه سرّی نهضته است؟

به حال باید دانست که این نسبت های مختلف نور بر کدام درجای خود کاملاً صحیح و درست است و در آن برابر به ذره ای شک وجود ندارد. نیز باید دانست که با وجود این نسبتهای جداگانه نور یکی است و در آن هیچ دویی نیست. پس معنی، حقیقت، و صفات

کالیه‌ای آن نیز همان است که در مقام «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» است.

## منافقین، منافقات و نور:

در آیت (۵۷ : ۱۳) خداوند تعالیٰ در مورد منافقین، منافقات و نور امامت می‌فرماید: «روزیکه مردان وزنان منافق به مومنان می‌کویند که توقف کنید تا از نور تان ما نیز روشنی حاصل کنیم، به آنها جواب داده می‌شود که به عقب خود بگردید و از آنجا روشنی را تلاش کنید».

باید دانست که نتهایا در دور قیامت (دور روحانی) منافقین از رقایتیز ترقی روحانی مومنین رشک می‌برند، بلکه در هر زمان احوال منافقین رہنمایی باشکوه نور امامت و ترقی و کامیابی مومنین را دیده به زبان حال فریاد می‌زنند که خدارا! اندک باستیدتاما نیز در نور ہدایت امام شما منازل کامیابی ظاہری و باطنی را طی کنیم. مگر به زبان حال به آنها این جواب داده می‌شود که شما در راه عقائد و تواریخ از سر نو تحقیق کنان به عقب خود بگردید و در آن دورانی که شما دامن مبارک نور را رها کرده بودید، در مورد آن فکر کنید و لغزشی خود را اعتراف کرده تمام عقائد خود را اصلاح کنید، بعداً ممکن است که نور حاصل شود.

## مرتبه ای حاصل شدن نور:

در آیت (۵۷: ۱۹) فرمان مبارک خداوند تعالی اینست که: «کسانیکه به خداو پیغمبرانش کا حقه ایمان آوردند، فقط آنها نزد پروردگارشان صدیق و شهیداند، برای آنها اجرشان و نورشان است»

درباطن این آیه کریمه بسیار حکمت های عظیم نهفته است، یکی از آن حکمت های بالغه این نیز است که اشاره به این شده است که ایمان از آغاز تا به آخر درجات زیادی دارد. صداقت صفتی است که از تکمیل ایمان حاصل می شود، و صداقت نیز دارای مراتب زیادی است. چون صداقت به درجه ای کمال بر سر آنوقت در مردم مومن جذبه ای جهاد و شوق شهادت پیدامی شود، و شهادت نیز دارای مراتب زیادی است. بعد از آن مراحل اجر و صلمه می آید، و این اجر نیز انواع گوناگون دارد، و در صورت تیجه ای این تمام خوبی ها در دوازه ای نورگشاده می شود.

بنابراین معلوم شد که بلند ترین درجه ای روحانیت مومن حقیقی آنست که در آن، دیدار محجزانه و مشاهده ای روح افزای نور امام برحق (ع) شده می تواند. این همان مقام وحدت است که در آن ارواحِ مومنین حقیقی با نور امام اقدس (ع) متصل شده یکی می شوند، همین سبب است که فرموده شده که کسانیکه برخدا و رسولانش کا حقه ایمان آوردند، در نزد پروردگار خود چون صدیق و شهید استند. یعنی این چنین مومنین به نور اساسان و امامان واصل شده اند، چرا که به زبان تاویل صدیقین اساسان را می کویند و شهداء نام

امامان است، به این معنی که هر یک از شش پیغمبران ناطق یک اساس داشته است، لهذا اساس حضرت محمد مصطفی صلیع حضرت مولانا امام علی (ع) بود، که ایشان نه تنها بطور شخصی و ذاتی تاویل قرآن و شریعت را نموده تصدیق نبوت و رسالت حضور اکرم (ص) را کردند بلکه بتوسط سلسله ای امامت فرزندان پاک خود نیز دروازه ای تاویلات را هر بار کشودند، که از آن تصدیق مرتبه ای پیغمبری آنحضرت (ص) همواره شده است، و بر بنای ضرورت چنین تصدیق تاویلی، از جانب خداوند تعالی با هر پیغمبر ناطق یک صدیق مقرر می شد و معنی صدیق تصدیق کننده است. و نام امامان شهدا به این معنی است که شهدا را کوایان رامی کویند که مراد از آن آئمه اطهار اند، چرا که همین حضرات بر اعمال مردم دنیا کوایاند و سلسله وارد دنیا و زمانه‌ی حی و حاضر می باشند.

## نور سرشنیمهٔ ہدایت است:

بدون موجود کی و رہنمایی نور مقرر کرده ای خداوند یعنی تظریه ای و یعنی مذهبی نبی تو انداز تاریکی ہای پُر خطر طول زمانہ بسلامتی بروح کوشوار دشود، و نہ بدون سلیم کردن یک نور محسم وجود ابتدائی یعنی یک دینی ثابت شده می تواند. در باب این حقیقت در آیت (۵۷ : ۲۸) فرموده شده است که: «ای کسانیکه ایمان آورده اید! از خدا ترسید و به رسولش ایمان آوریدتا (خداوند) دو بخش از حمیش را به شما عطا کند و برای شما نوری مقرر کند که با

آن بتوانید راه بروید و شمارا بخشد و خداوند بخشد های مهربان است»

تفسیر این آیه مبارکه اینست که: ای کسانیکه ایمان آورده اید! [و] در دایره ای اسلام داخل شده اید، اکنون از خداوند بر ترسید، یعنی دنیات، اقوال و اعمال خود تقوی را متنظر کرید و به رسول خدا ایمان کامل آورید، یعنی مومنین حقیقی شوید، تا خداوند بتوسط رسول مقبول خود دو حصه از رحمت بی پایان خود را به شما عطا خواهد کرد، یعنی وسیله ای هدایت ظاهری و باطنی را پیدا خواهد کرد، و برای شما چنان نوری یعنی امامی مقرر خواهد کرد که سلسله ای اوتا قیامت جاری خواهد ماند، تا شما بتوانید از لحاظ دینی و دنیوی مطابق هر زمانه منزل به منزل به پیش بروید، حتی که شما با اسلامتی بر حوض کوشوار خواهید شد:

## نور پیغمبر (ص) و امام (ع) نور خداوند است:

دلسلسله موضوعات این کتابچه تا اکنون حقائق و معارف که از آیات نور بیان شده است، از آن این حقیقت برای شما واضح و روشن شده باشد که مظہر نور خداوند تعالیٰ به لباس بشیرت برای هدایت انسان همیشه در دنیا حاضر و موجود است، که بدون حاضری و موجودگی او هستی و بقا، عالم ادمیان قطعاً ناممکن است. یک دلیل محکم و روشن این حقیقت اینست که بدون وجود نور مادی یعنی آفتاب وجود و نظام این کائنات برای لحظه ای هم قائم مانده نمی تواند، چرا که این تمام کائنات و هرچه که در آن وجود دارد، همه از قوهای بی پناه تکوینی آفتاب پیدا شده است، و این همه نظام مادی بر طاقهای همگیر

آن قاب قائم است. تمام اینها مثال مظهر نور خداوند است که گاهی به حیثیت پیغمبر و گاهی به صورت امام می باشد، که از وجود مبارک ازلی او عالم ادیان تدریج بوجود آمد، و از طرف ذات شریف همین مظہر، علی قدر مراتب، به همه ادیان همواره ہدایت حاصل می شود، پس اگر بفرض محال این مظهر در عالم دین نباشد، در آن حال همه ادیان نیست و نابود خواهد شد: به همین معنی فرموده شده است که: «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِيمَانِهِمْ» مفهوم این آیت اینست که همه چیزی به سبب هستی نورانی امام محفوظ است، چرا که هستی مقدس او نجیحت لوح محفوظ است، که نور امام همه چیز را احاطه کرده است.

در باب همین دلایل نور امامت و خواهش و کوشش ناکام کافران برای خاموش ساختن او، در سوره صفحه، آیه هشتم چنین ارشاد شده است که: «آنان می خواهند نور خدارا با (پف کردن) دهان های خود خاموش سازند، حالانکه خدا تمام کننده ای نور خود است، هر چند کافران را ناخوش آید»

باید دانست که اگر مظهر نور خداوند در عالم ظاهر نبی بود و در عالم باطن می بود، در آن صورت کافران برای خاموش ساختن نور خداوند را راده ای نبی کردند، چرا که راده ای کافران فقط تابع چیزی های ظاهری دنیا محدود است و نیز خداوند با تردید خواهش آنها نبی فرمود که من نور خود را به صورت بدرجاتی کامل خواهیم رساند، پس معلوم شد که این نور خداوند در این دنیا ظاهر است.

# خدا، رسول و نورِ امامت:

در آیت (۴۶:۸) خداوند تعالیٰ چنین می‌فرماید: «پس به خدا پیغمبرش و آن نویکه نازل کرده ایمان آورید و خداوند از تمام اعمال شما آگاه است!» تحقیقی که از این آیه کریمه بطور واضح ظاہرمی شود از آن هیچ دانشمندی انکار کرده نمی‌تواند که در این آیه ذکر سه هستی‌های مقدس جداگانه شده است، و بترتیب ایمان آوردن به آن سه ذوات مقدس فرمان شده است.

بنابراین نخست از همه فرموده شد که به خداوند ایمان آورید، تحت این حکم آن تمام سخن‌های نیک آمد که متعلق به ایمان آوردن به خداوند می‌باشد مثلاً: اقرار به هستی خداوند تعالیٰ، ایمان آوردن به اسماء و صفات او، ایمان آوردن به فرشتگان او، کتب او، و به پیغمبرانی که قبل از آنحضرت (ص) به دنیا فرستاده شده بودند.

بعد از فرموده شد که به رسول او، یعنی حضرت محمد مصطفیٰ (صلی الله علیه و آله و سلم)، ایمان آورید. در این حکم تمام چیزهای بنیادی مسلمانی شامل است، چون ایمان آوردن به بنوت و رسالت آنحضرت (ص)، برحق قبول کردن قرآن پاک، پذیرفتن اسلام و تمام تعلیمات آنحضرت (ص) را، وغیره.

بعد از آن فرمان خداوند اینست که ایمان آورید به آن نویکه مانازل کرده ایم. ظاہراً است که این نور پاک فقط [نورِ] امامت است که از ازل موجود است که خداوند آن را از آسمان نورانیت ناطق بر زمین شخصیت اساس نازل کرد. به عبارت دیگر، این نور از

ذات والاصفات حضرت محمد (ص) دهستی مقدس حضرت مولانا علی علیہ السلام منتقل شد و تا قیامت در سلسله ای امامت اولاد علی (ع) قائم است، و ایمان آوردن به این نور مبارک اینست که امامان طاہرین سلسله ای مذکوره را «منْ عِنْدَ اللَّهِ» قول کرده شود، یعنی یقین داشته باشند که این امامان از طرف خداوند مقرر شده اند و بر هدایات ظاہری و باطنی شان عمل کرده شود. از اشاره ای نور فهمیدن این مقصود است که در راه دور و دار انسانیت و مذاہب، تاریکی یا وظایف کو نگوئن دپیش می آید که برای آن غیر از نور امامت چاره ای دیگر نیست.

باید دانست که مقصد و منشاء این آیه مقدسه نیز همان است که آیه اطاعت دارد چنانکه فرموده شده است: «ای کسانیکه ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدارا! و اطاعت کنید پیغمبر خدارا او لو الامر را که از میان شماست» (۵۹: ۴)

پس معلوم شد که امام بحق دارای هر دو مرتبه عالیه ای امر و نور است، یعنی چنانکه خداوند و رسول (ص) امام عالی مقام را صاحب امر مقرر فرمودند، همانگونه نور را هم به او سپرد کردند، چرا که بدون نور امر و فرمان مطابق به مرضی و خوشنودی خداوند نمی تواند باشد و نه نور بیشتر از امر و هدایت مقصد دیگری دارد.

## نوریک ذکر زنده:

باید دانست که مجرمه همیشه بغایت عجیب و غریب می باشد، اگر آن چنین نمی بود

آن را محجزه نمی نامیدند: بنا بر این بعضی مومنین حقیقی در یک درجه ای بلند معرفت ذات خویش این حقیقت را می دانند که نور امامت نه تنها در ذات اقدس خود یک جهان نهایت درخشندگ و تابناک است بلکه آن در باطن هر عارف نیز چنین یک عالم نورانی شده در مشاهده می آید که بدون هیچ شک عقل و روح آن گلّی، کائناتی، و همه کیر و همه رس است. مگر حیرت در اینست که هر چیز این عالم نورگوی فرشته ای است، که در آن هم یک روح پاکیزه است و هم یک عقل کامل. بنا بر این باید دانست که هر یک صفت از صفات لاتعداد نور بحیثیت یک فرشته ای عظیم و زنده است: بنا بر این در این ارتباطیکی از صفات زنده ای نور «ذکر» نیز است، که دارای معانی متعدد است.

اکنون ذکر که صفت نور است، معانی آن اینست:

۱. ذکر = یاد الٰہی، که اقسام زیادی دارد، ۲. ذکر = وقت ذاکره، ۳. ذکر = قرآن حکیم، ۴. ذکر = نصیحت، ۵. ذکر = لقب حضرت پیغمبر(ص) و امام (ع)

سوال: اگر نور ذکر است و معنی ذکر یاد الٰہی است، پس بگویید چگونه در نور یاد الٰہی می باشد؟

جواب: مومنین حقیقی باید یقین داشته باشند که آفتاب نور هم در آسمان امامت و هم در حالت عکس در آینه ای دل عارف همیشه حامل ذکر محجزات ای الٰہی می باشد. یعنی این از محجزات نور است که در آن اسمی از اسماء عظام خداوند بخود خود بشکل یک آواز قدرتی، صورت ذکر دانمی و مسلسل را اختیار می کند، که یک مثال ظاہری آن اینست که هنگامیکه

یک انسان خلاء نور و بواسطه را کت خود از دایره ای کشش سیاره ای نمین بیرون می روود، در آنوقت او را کت را پر و از بد پدیده می نمایند هدبه حال کیفیت لاوزنی آنجا او را او را کت او را پر و از داده همواره می چرخاند. پس همین حال آن عارف هم هست که ذکرا از دایره ای کشش خواهشات نفسانیت خارج شده در خلاء نور امامت رسیده باشد.

سوال: این پذیرفته شد که یک نام نور ذکر نیز است، مگر نور بمعنی ذکر چطور قرآن می تواند باشد؟

جواب: نور بمعنی ذکر اینطور قرآن است که ذکر اگر از یک طرف نور است از طرف دیگر روح قرآن است. پس نور، ذکر، و روح قرآن هم نام های مختلف یک حقیقت اند. اثبات آن اینست که در قرآن حکیم (۴۲: ۵۲) فرموده شده است که قرآن در کیفیت وحی الکون نیز یک روح عظیم و نور است.

نیز همین روح و نور را در (۵۴: ۲۲) ذکر نیز نامیده است، چنانکه فرموده شده است که: «و ما قرآن را برای ذکر آسان ساختیم، پس آیا کسی هست که ذکر کند». مطلب آسان ساختن قرآن برای ذکر اینست که روح زنده ای قرآن در اسم بزرگ خداوند تعالی است که آن نور امام زمان است. حضور اکرم (ص) قبل از بیوت ذکر همین اسم بزرگ را می کردند و از همین اسم بزرگ ظهور قرآن پاک شد، و الکون نیز وحایت و نور ایت قرآن حکیم در همین اسم و ذکر موجود است.

همانطور که گفته شد که یکی از نام های نور ذکر نیز است و چندین معانی ذکر بیان شد، پس در مورد همین حقیقت در سوره طلاق آیات دهم و یازدهم چنین فرموده شده که:

«بدون شک خداوند تعالیٰ بطرف شما ذکری نازل کرده است، یک رسولی که برای شما نشانی های واضح را میخواند تا آن کسانیکه ایمان بیاورند و اعمال صالح انجام دهند را از تاریکی ها بطرف نور بیاورد»

مطلوب ظاهیری این آیت پُر حکمت اینست که خداوند عالم در دنیا اسلام چنین ذکری زنده و محstem را فرستاد که در آن همه معانی و اوصاف مذکوره ذکر بر جای اتم موجود بود، که آن رسول مقبول (ص) بود. از طرف دیگر معنی باطنی یا تاویل آن اینست که در دل و دماغ پاکیزه ای مؤمنین حقیقی و عارفین، ذکر اسم اعظم انداخته شده است، که در آن نور واحد رحمت عالمین و امام مبین موجود است که همواره آیات روشن روحانیت، ہدایت، و علم و حکمت را میخواند تا مؤمنین و نیکوکاران را از تاریکی های جهالت و نادانی بیرون آورده بطرف روشنی معرفت انتہایی ذات خود بیاورد.

## نور و دور روحانیت:

در شروع رکوع دوم سوره تحریم (یعنی ۶۴ : ۸) فرموده شده است که: «ای کسانیکه ایمان آورده اید، بطرف خداوند توبه ای خالص کنید. عقیریب پروردگار تان بدی هارا از شماد و رخواه کرد و شمارا به چنین با غهیابی داخل خواهد کرد که در زیر آن نهر ها جاری است. در آن روز خداوند تعالیٰ بنی صلعم را و آن مؤمنین را که (از روی تابعه ای) با او (یعنی با پیغمبر) استند آنها را رسوان خواهد کرد، و نور ایشان در سمت راست و پیشوی ایشان سعی خواهد کرد. می گویند که: ای پروردگار ما، این نور ما را برای ما به کمال برسان و مارا

بیامز، بیشک توبه هر چیز قادر نستی»

در سلسله ای حکمت های این آیت مقدسه اینست که عموماً به تمام مسلمان ها و خصوصاً مسلمین عهده بوت فرموده می شود که: «ای کسانیکه ایمان آورده اید! بسوی خدا توبه نصوح کنید»، یعنی ای مردم! کسانیکه اسلام را قبول کردهند، بسوی خداوند تعالیٰ توبه ای خالص و حقیقی کنید، مطلب اینست که گناهای ظاهری و باطنی را با پیشمنی انتہایی ترک کنید و نیت، قول، عمل خود را بطور واجبی اصلاح کنید. چرا که معنی توبه ای الله با دل و جان رجوع کردن بسوی خداوند است، که برای آن ضرورت تزکیه ای نفس و تصفیه ای قلب است.

بعد از آن الفاطی که فرموده شده است، در آن پیشگوئی نور و انقلابات دور روحانی شده است، و در مورد دور روحانی دانستن این ضروریست که آن دارای دور صورت است. یک صورتش اینست که آن بطور باطنی همیشه جاری و ساری است و صورت دیگر آن اینست که آن در یک وقت مقرر طاهر شده مردم دنیا را متاثر خواهد کرد. اکنون در این مقام این اصول حکمت قرآن حکیم قابل ذکر است که در قرآن محمد در هر مقامیکه درباره ای حالت اجتماعی مردم دنیا پیشگوئی شده است، در آن پیشگوئی حالت انفرادی مردم نیز پوشیده است. بطور مثال در آن آیات کریمه ذکر قیامتی که آمده است که بعد از مرگ واقع شدنی است، در آن ذکر قیامت یا شخصی انسان ها نیز موجود است.

بنابراین بعد از حکم توبه ای خالص و حقیقی فرموده شده است که: «عنتیریب

پروردگارتان از شمایدی هارا دور خواهد کرد»، ازین فرمان کی این معلوم می شود که بعد از توبه ای نصوح از نافرمانی ها و کنایان نیز در مونین بعضی بدی های قائمی ماند، که آنها را خود ایشان نمی توانند دور کنند، دوم این معلوم می شود که بعد از توبه ای خالص و قلبی امید [پیدا] می شود که بوسیله ای امام وقت دروازه ای رحمت های خداوند تعالی گشوده شود.

در اینجا این سوال ضروری پیدامی شود که آن کدام بدی ها است که مونن با وجود توبه ای نصوح نیز از ذات خود دور کرده نمی توانند؟ جوابش اینست که بعد از توبه کردن حد تنهایی البته امکانیت کنایه های نفسانی ختم می شود، مگر خیالات باطل و نظریات غلط در مورد مذهب چنین چیز هایی است که برای ازین بردن آنها تنهای توبه ای نصوح کفایت نمی کند، بلکه با آن ضرورت ہدایت خصوصی و علم توحید است که آن بوسیله ای امام زمان (ع) حاصل شده می تواند.

بعد از آن فرموده شده است که: «و شمارا به چنین باغ ها داخل خواهد کرد که در زیر آن نهر ها جاری است» این ذکر آن باغ های بهشت رو حائیت است که تعلق آن به تنها به زندگی دومی انسان است بلکه در رو حائیت همین زندگی نیز؛ بطور جزوی، مشاهده ای آنها را میتوان کرد، که در آنها برای عقل و جان انسانی هر نوع نعمت ها ولذت ها موجود است. در زیر چنین باغ ها نیز تائید الهی جاری است. یعنی در آن درجات رو حائی، قوهای تائید عقل کل، تخلیق نفس کل، تزریل ناطق و تاویل اساس جاری و ساری می باشد.

بعد فرموده شده است که: «در آن روز خداوند تعالی نبی صلعم را و آن مونین را

که (از روی تابع‌داری) با او (یعنی با پیغمبر) است آنها را سوانح خواهد کرد»، این واقعه تعلق به دور روحانی دارد. دور روحانی هم در دنیا است و هم در آخرت، قبل از وقت بطور انفرادی هم است و در قشش به حالت اجتماعی هم. در چنین دورخداوند تعالیٰ پیغمبر را و آن مونین را رسوانخواهد کرد که با تابع‌داری، محبت و روحانیت و ازلخاط معیت نور امامت (که نور امام نور پیغمبر است) با پیغمبر است.

«نور ایشان درست راست و پیش روی ایشان سعی خواهد کرد»، یعنی در چنین دور که ذکر آن در بالا شد، نور امامت که نور ایمان هم همان است، از گوش راست و پیشانی آنها خطاب خواهد کرد، که در آن درباره ای دنیا و آخرت آنها رشد و هایت، علم و حکمت خواهد بود، چرا که زبان تاویل سمت راست را طاهری گویند که از آن دنیا مقصود است، و مطلب پیش رو آخرت است که آخرت مستقبل انسان است.

«گویند که: ای پروردگار ما، این نور ما را برای ما به کمال برسان و مارا بیامز» یعنی آنوقت مونین احساس این امر را خواهند کرد که آنها به علت کم علمی و محتاجی، قبلاً از این رحمت بی پایان غافل بودند، لهذا آنها از خداوند تبارک و تعالیٰ این دعای رامی کنند که ای پروردگار ما! این نور ما را بدرجای کمال برسان! یعنی روحانیت ذاتی ما را با اصل نور و اصل کن! و ما که قبلاً از این رحمت امکانی غافل بودیم، برای این مارا بیامز! و گناه‌های آینده ای ما را نیز بیامز!

«بیشک تو بر هر چیز قادر هستی» یعنی وقتی مونین در دور روحانی محجزات لاتعداد و قدرت‌های بیشمار خداوند تعالیٰ را مشاهده خواهند کرد، در آنوقت آنها به زبان

قال وزبان حال، با هر دو، خواهند گفت که بیشک تو بر هر چیز قدرت کامل داری و در قدرت تو «بیچ چیزی ناممکن نیست».

## آفتاب و مهتاب :

در قرآن کریم در آیات (۱۰ : ۵)، (۲۵ : ۲۵) و (۷۱ : ۱۶) روشی آفتاب و مهتاب به اینکونه بطور یکجا آمده است که آفتاب برای این کائنات سرشنیده‌ای روشی ظاہری و مادی است و مهتاب مظهر است.

این آیات پر حکمت متعلق به یک موضوع یعنی مضمون و بیان نور است، که از مطالعه‌ای مربوط آنها و در تتجدد آنها حقائق و معارف بسیار پیش می‌آیند، که از آن علاوه بر فهمیدن تصور نور و مظهر نور، تصورات خیلی عالی و مکرر توحید مانند «همه از او است» یا «همه او است» وغیره، مدح‌حاصل می‌شود.

بنابراین در آیات پازد هم و شانزدهم سوره نوح (یعنی ۷۱ : ۱۵ و ۱۶) خداوند تعالی می‌فرماید که: «آیا نمی‌بینید چگونه خداوند هفت آسمان را طبقه در طبقه آفرید؟ و ما هر روشی، و خورشید را چراغ قرار داد»

باید دانست که یکی از اصولاتِ حکمت قرآنی این نیز است که مشاهده‌ای یک گوهر حقیقت نه تنها از پهلوهای مختلف آن کرده می‌شود، بلکه مشاهده‌ای هر پهلو نیز از زاویه‌های مختلف کرده می‌شود. بنابراین در آن آیات کریمه قرآن حکیم کم متعلق به آفتاب، مهتاب و روشی آنهاست، گاهی ارشاد شده است که ذات آفتاب چراغ است یعنی یک

طرف خالی. گاهی ارشاد شده است که او یک چراغ روشن است، و گاهی فرموده شده است که آفتاب کویا طرف چراغ است و مهتاب نور او (یعنی شعله او) است.

پس برای مومنین حقیقی واضح باشد که ممثولاتِ مثال‌های مذکوره نور ایگونه است که در قرآن پاک جاییکه آفتاب را به چنین طرف چراغ مثال زده است که برای روشن ساختن او ضرورت به روغن می‌شود، آنجا اشاره به نظریه‌ای «همه اوت (یک حقیقت)» است. بطوریکه تمام ذاتِ اجزایی کائنات یکی بعد دیگری به مقام آفتاب رسیده صورت روشنی را اختیار می‌کند، همانگونه چون روح هر چیز که با ذاتِ خداوند واصل شود آنوقت او فاشد و روشنی صفات اومی شود. این نظریه‌ای «همه اوت» و «یک حقیقت» است.

در جاییکه ارشاد شده است که آفتاب چنین چراغی روشن است که در کائنات روشنی می‌گسترد، آن جامعه‌ای آن «همه از اوت» و «یک الهیت» است، زیرا بطوریکه وجود هر چیز نادی از آفتاب ساخته می‌شود، همانگونه هستی روحانی هر چیز از خداوند است. و جاییکه آفتاب را چراغ و مهتاب را نور یعنی شعله‌ای چراغ قرار داده است، این مثال از لحاظ شب است، که مطلبش اینست که صفات غیر مرئی خداوند تعالیٰ و رسول برحق او از امام زمان علیه السلام ظاهر می‌شود، چونکه همین انسانِ کامل است و همین مطهر خداوند است.

روشنی براه راست از آفتاب باشد یا با الواسطه از مهتاب، به هر حالت فقط یک روشنی است، در آن هیچ کدام دویی نیست، مگر در آن این فرق ضرور است که در هنگام شب آن روشنی که از مهتاب به نزین می‌افتد، او براه راست نمی‌آید، بلکه با سلطه مهتاب

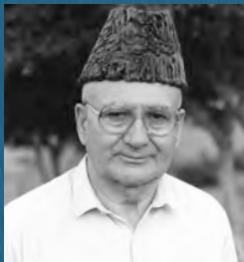
تصادم کرده می‌آید، به این سبب است که او مثل روشنی آفتاب شدید و گرم نمی‌باشد، دلیل آن اینست که ما در هنگام شب نتهایا از آفتاب دور می‌شویم، بلکه مهتاب نیز از ما بسیار دور می‌باشد، پس اگر ما آن زمان بر سطح مهتاب برویم، آنجا آنوقت شب نمی‌باشد بلکه روز باشد، لهذا اما در آنجا برای راست آفتاب راخواهیم دید. تا ویل این مثال اینست که هر شخصیکه برای امام زمان (ع) اقرار کند، برای او شخصیتِ امام مهتاب است و هدایت امام روشنی مهتاب است، هنگامیکه چنین مونتی منازل معرفت راطی کرده به ذاتِ امام اقدس میرسد، آنوقت برای او هدایت امام زمان هدایت خدا و رسول ثابت خواهد شد، بطور یکه در روشنی مهتاب، بار سیدن به مهتاب، روشنی مهتاب به روشنی آفتاب تبدیل می‌شود.

# فہرست آیات قرآن کریم

۲۰	۳۵:۲۴	۶	۱۷:۲
۲۵	۳۵:۲۴	۷	۲۵۷:۲
۲۶	۴۰:۲۴	۷	۱۸۴:۲
۲۷	۶۱:۲۵	۴۸	۵۹:۴
۵۵	۶۱:۲۵	۸	۱۷۴:۴
۲۸	۲۰:۲۱	۹	۱۰-۱۴:۵
۲۸	۴۶-۴۱:۲۲	۹	۴۶:۵
۲۹	۴۶-۴۵:۲۲	۱۰	۴۶:۵
۳۱	۲۲-۱۹:۲۵	۱۱	۴۸:۵
۳۲	۲۵:۲۵	۱۲	۱:۶
۳۲	۲۲:۲۹	۱۲	۹۱:۶
۳۵	۶۹:۳۹	۱۴	۱۲۲:۶
۳۱	۱۱:۴۲	۱۴	۵۳:۷
۵۰	۵۲:۴۲	۴۰	۱۰۷:۷
۸	۱۸:۴۲	۱۵	۳۲:۹
۵۰	۲۲:۵۴	۱۶	۵:۱۰
۳۸	۹:۵۷	۵۰	۵:۱۰
۴۰	۱۲:۵۷	۴۰	۳۹:۱۰
۴۲	۱۳:۵۷	۴۰	۱۰۱-۱۰۰-۲۱-۶:۱۲
۴۳	۱۹:۵۷	۱۷	۱۶:۱۳
۴۴	۲۸:۵۷	۱۸	۱:۱۴
۴۷	۸:۶۴	۱۸	۵:۱۴
۵۱	۸:۶۶	۱۸	۴۶:۲۲
۵۰	۱۶-۱۰:۷۱	۱۹	۹-۸:۲۲
۵۰	۱۶:۷۱	۱۱	۳۵:۲۴







شخصیت فرید شکر عصر خویش اند که دطول حیات طیبه صد سال خویش با وجود کثرت اوضاع نامساعد، چون فقدان علم و منطقه کوهستانی دور افراطه هوزن، ناحیه شمال پاکستان باریاضت روحتانی تو استنده که بیش از یک صد جلد کتاب شرطی مشتمل بر حکمت و تادیل قرآن کریم در حیطه تحریر دآورند. ایشان اولین شاعر و صاحب دیوان در لسان مادری شان "برسکی" بوده که ملقب به "بابای برسکی" معروف اند و نیز به زبان های میکرچون فارسی، اردو و ترکی آثار شاعری خویش را برای نسل های عصر حاضر و آینده به ارمغان گذاشته اند. ایشان در پتو حکمت قرآن "سائنس روحتانی" را کشف و از برای بشریت ضبط و ثبت نموده اند. نمونه چند از اشعار علمی و عرفانی ایشان قرآن حکیم و عالم انسانیت، کتاب العلاج، تصوف عملی و سائنس روحتانی، میزان الحمق، و روح چیست؟ می باشد و نیز بابرزمات و کوشش های شکنی ناپذیر از برای ارتقا، و هبود زبان برشکی و رفاه و پیشرفت زندگی معنوی و اجتماعی قوم و ملت بالتعاب چون "حکیم اللعلم" و "لسان القوم" مشهور اند. علاوه بر این، ایشان در تدوین "فریهنج برشکی - آلمانی" و "ضرب الامثال هوزن" (Hunza Proverbs) بالترتیب با پروفسور گرگاز دانشگاه ہائیل گرگ و پروفیسر تیغواز دانشگاه مانتیال ہمکار بوده اند و نیز بابر مواد جمع آوری نموده ایشان نخستین "فریهنج برشکی" - اردو و تحت قیادت شان در اکادمی تحقیقاتی برشکی مرتب گردیده از دانشگاه کراچی شائع شده است. حکومت پاکستان در اعتراف چنین شاہکاری های متفرب و بی نظیر "ستاره امتیاز" به موصوف اعطاء نموده است.

